

عرفه و عرفات

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسلامی کاشانی، سیدعباس، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : عرفه و عرفات / سیدعباس اسلامی کاشانی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۳۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۸۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : دعای روز عرفه

موضوع : وقوف در عرفات

رده بندی کنگره : BP ۲۷۰ / ع ۴۰۴۲۲ الف ۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۷۷۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۷۰۸۸۷

ص: ۱

دیباچه

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

در بحث دعا و نیایش، پیش از آنکه بدانیم چرا باید دعا کنیم و دعا کردن چه سودی دارد، باید درباره موضوع عشق و معرفت بیشتر بدانیم. عشق و معرفت، روشنی‌بخش‌اند؛ تا جایی که انسان را کد را به حرکت وامی‌دارند و او را با معشوق کامل و محبوب مطلق، پیوند می‌دهند. دعا و نیایش، نیاز فطری هر انسان و جوهر زندگی و روح حیات و نشانه عشق و محبت است و در مقابل، زندگی بدون دعا و نیایش، خشک، سرد و بی‌روح است. تنها محبوب و معشوقی که شایسته نیایش و ستایش است، خداوند متعال است. ما در هر زمان و مکان و با هر زبانی می‌توانیم خدای خود را بخوانیم و با او راز و نیاز کنیم؛ اما برخی ایام و بعضی دعاها از ویژگی‌های متمایزی برخوردارند؛ به طوری که با خواندن برخی دعاها در روزهای

ص:۱۰

ویژه، ارتباط‌معدادار و عمیقی با خدای خود برقرار می‌کنیم؛ زیرا این دعاها از زبان انسان‌هایی صادر شده که کلامشان سرشار از فصاحت، بلاغت و شیوایی ویژه‌ای است و در شناخت پروردگار و شیوه گفت‌وگوی با او، از معرفت، توحید و بصیرت کاملی برخوردارند. دعای عرفه در روز عرفه از جمله این ادعیه و روزهای خاص است. بنابراین، با خواندن این گونه دعاها، می‌توانیم عمیق‌تر، صحیح‌تر، غنی‌تر و زیباتر با پروردگار خود مناجات کنیم و به راز و نیاز پردازیم. کتاب حاضر، با عنوان «عرفه و عرفات»، اثر استاد محقق، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعباس اسلامی کاشانی، به اهمیت نیایش از زبان سالار شهیدان، امام حسین (ع) در روز عرفه و صحرای عرفات پرداخته و با بهره‌گیری از آیه‌ها و روایت‌ها،

اثری ماندگار و خواندنی برجای گذاشته است. امید که با مطالعه این اثر ارزشمند، بسیار زیباتر و صمیمی‌تر بتوانیم با پروردگار خود ارتباط برقرار کنیم.

انه ولی التوفیق
مرکز تحقیقات حج
گروه اخلاق و اسرار
ص: ۱۱

مقدمه

قال رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي اَمْرِي * وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي
(طه: ۲۵-۲۸)

خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی (۱)
دعا و نیایش روح را تهذیب، نفس را ترکیه، اندیشه را تصفیه و تردید را از دل می‌زداید و راه رشد و کمال را به انسان می‌نمایاند. یکی از زیباترین نیایش‌های وارده از معصومان (علیهم‌السلام)، دعای عرفه امام حسین (ع) است. چهل و هفتمین دعای «صحیفه سجادیه» نیز دعای عرفه امام سجاد (ع) در روز عرفه است.

نیایش عرفه، مدرسه عرفان و زمزم معرفت است. امام در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، در زمان و مکانی شریف این دعا را ایراد

۱- فردوسی.

این دعای شریف، موج می‌زند و به خوبی حس می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان رسیدن به فنای فی‌الله را تنها از این فراز دعای حضرت که می‌فرماید: «أَيُّكُونُ لَغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ» ، به روشنی دریافت. کی‌بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم تو را؟ غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را (۱) در این کتاب، دعای عرفه، با استناد به آیات و روایات و نیز با استفاده از متون ادبی و عرفانی شرح شده است. همچنین سعی شده مطالب تکراری یا کم‌نتیجه آورده نشود و به منظور استفاده بیشتر و ماندگاری مطالب ارزشمند آن در ذهن مخاطبان، مطالب به ساختاری بدیع بازسازی و با عنوان‌هایی مفید و راهگشا تنظیم شده است تا رغبت بیشتری را در خواننده محترم ایجاد کند. این نوشتار، به مناسبت محوریت عنوان پژوهش که عبارت است از: «عرفه و عرفات» از دو رکن اساسی نیایش روز عرفه و سرزمین مقدس عرفات سامان یافته است. بدین ترتیب، در بخش اول با عنوان «عرفه روز نیایش» ، در سه گفتار

۱- فروغی بسطامی.

ص: ۱۳

به تبیین، تحلیل و بررسی نقلی و عقلی جایگاه روز عرفه؛ آیین نیایش و مهم‌ترین نیایش‌های وارده در این روز (عرفه) پرداخته‌ایم. بخش دوم این پژوهش با عنوان «عرفات سرزمین عشق» نیز در سه گفتار سامان یافته است. گفتارها عبارت‌اند از: جایگاه سرزمین عرفات؛ فضیلت‌های عرفات در آینه کتاب و سنت و صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی.

پیش از ورود به محور اصلی بحث، از باب «
 مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» ، از همه عزیزان و فرهیختگانی که در این مسیر
 پرفراز و نشیب، با مشاوره و کمکهای فکری و فنی شان راه را برایم هموار کرده‌اند،
 تشکر می‌کنم.

امید که این اثر بتواند تحول روحی و عینی ارزنده‌ای را موجب شود. در پایان، از ذات
 اقدس الهی می‌خواهم که به برکت این نوشتار، اینجانب، والدین و فرزندانم را مشمول
 ادعیه زاکیه حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء قرار دهد.
 خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

ص: ۱۴

ص: ۱۵

بخش اول: عرفه روز نیایش

اشاره

ص: ۱۶

ص: ۱۷

گفتار اول: جایگاه روز عرفه

۱. اهمیت روز عرفه

امام صادق (ع) می‌فرماید:
 فلسفه اینکه در روز عرفه و در عرفات، بین نماز ظهر و عصر جمع می‌شود و سریع و با
 عجله نماز برگزار می‌گردد، آن است که با فراغ بال به دعا و نیایش پرداخته شود؛ زیرا
 آن روز، روز دعا و درخواست از درگاه خداوند سبحان است. (۱)

امام باقر (ع) نیز در مورد استجاب دعا در عرفات می‌فرماید: هیچ نیکوکار و بدکاری نیست که در عرفات توقّف کند؛ مگر اینکه خدا دعایش را مستجاب کند. دعای نیکوکار برای آخرتش مستجاب شود و دعای بدکار برای دنیایش. (۲)

- ۱- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج ۵، ص ۱۸۲.
- ۲- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۴، ص ۲۶۲.

ص: ۱۸

۲. فضیلت‌های روز عرفه از چشم‌انداز قرآن و روایات

الف) عرفه در آینه قرآن کریم

در قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که بر عرفه منطبق شده است: **وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ** (بروج: ۳ و ۲) سوگند به آن روز موعود و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [پیامبر و اعمال امت]. بعضی از روایات، شاهد را «روز جمعه» و مشهود را «روز عرفه» دانسته‌اند. (۱) ولی برخی دیگر، شاهد را روز عرفه و مشهود را روز قیامت معرفی کرده‌اند. (۲) اما بیشتر روایات، شاهد را روز جمعه و مشهود را روز عرفه و روز موعود را قیامت اعلام کرده‌اند. (۳) همچنین در آیه‌ای دیگر، منظور از مشهود، همان روز عرفه است. **ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ** (هود: ۱۰۳) در آن روز که مردم گردآوری می‌شوند و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت که تعبیر «مشهود» در این دو آیه، با روز عرفه مطابقت دارد.

از این رو، خداوند در قرآن به عظمت این روز قسم یاد کرده و آن را روزی دانسته که تمامی انسان‌ها در آن روز حاضر شده

- ۱- معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، ص ۲۹۸.
 ۲- همان.
 ۳- همان.

ص: ۱۹

و اجتماع می‌یابند. همچنین، براساس آیه دوم می‌توان گفت که میان عرفات و عرصات قیامت مناسبتی وجود دارد. در تفاسیر عرفانی، نقل‌های متعدد و فراوانی درباره «شاهد» و «مشهود» آمده است (۱)؛ از جمله اینکه شاهد، خلق و مشهود، خداست؛ زیرا انسان‌ها خدا را با قلب خویش شهود می‌کنند.

ب) عرفه در آینه روایت‌ها

امام سجاد (ع) به سائلی که روز عرفه، از مردم درخواست مال می‌کرد، فرمود:
 وَيَحْكُ أَغْيَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لِيرْجَى لِمَا فِي بُطُونِ الْجِبَالِ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيداً. (۲)

وای بر تو! آیا در چنین روزی از غیر خدا طلب می‌کنی؟ حال آنکه امروز آنچه رحمت حق، شامل و عام است که امید آن می‌رود آنچه در شکم کوه‌هاست، مشمول رحمت عامه حق گردد و خوش‌بخت و سعادتمند شوند.

۱- تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشید الدین میدی، ج ۱۰، ص ۴۳۸؛ لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، ج ۳، ص ۷۱۰.
 ۲- الوافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۲. مرحوم فیض در بیان این حدیث می‌گوید: «سعادت، هر چیزی مناسب حال خودش است. بنابراین شاید مراد از سعادت، آنچه در شکم کوه‌هاست، این باشد که از کوه، نباتی بروید و بعد از تحولات پی‌درپی به صورت نطفه‌ای درآید و از آن، انسان سعیدی متکون گردد». همچنین در روایت دیگری که «مستدرک» نقل کرده، به جای کلمه «الجبال»، کلمه «الجبالی» آمده که به معنای «زنان آبستن» است و در این صورت، معنای حدیث روشن‌تر خواهد بود. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۹۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص: ۲۰

در روایتی آمده که امام رضا (ع) در روز عرفه تمام اموال خود را بین فقرا تقسیم کرد. فضل بن سهل عرض کرد: «این کار موجب زیان است». فرمود: «نه، خیر است، موجب سود است. هرگز کاری که موجب اجر و پاداش شود، نباید زیان به حساب آورد». (۱)
 در مسجد الحرام مردی از امام صادق (ع) پرسید: «چه کسی گنااهش از گناه همه بزرگ‌تر است؟»
 ایشان فرمود:

مَنْ يَقِفُ بِهَدْيَيْنِ الْمَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَالْمُزْدَلِفَةَ وَ سَعَى بَيْنَ هَدْيَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ
 وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ
 أَكْثَرِ النَّاسِ
 و زُرّاً. (۲)

هر کس که در این دو موقف عرفه و مشعر، وقوف کند و بین این دو کوه [صفا و مروه] سعی نماید و گرد این خانه [کعبه] طواف انجام دهد و نماز پشت مقام ابراهیم به‌جا آورد، در عین حال بعد از تمام این اعمال، پیش خود بگوید یا گمان کند که خدا او را نیامرزیده است، این آدم از همه کس، گنااهش عظیم‌تر است [بدگمانی به خدا و ناامیدی از رحمت

خدا، گناهی بسیار بزرگ و خطرناک است]. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرمود: « ما مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرُ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ » (۳)؛ «خداوند هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی کند».

- ۱- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱۲، ص ۹۰.
- ۲- وافی، ج ۲، ص ۴۲؛ آداب الحرمین، ص ۲۶۸.
- ۳- السنن الکبری، احمد بن حسینی بیهقی، ج ۵، ص ۱۹۲.

ص: ۲۱

فضیلت روز عرفه به اندازه فضیلت شب قدر است. این روز را گرامی دار و لحظه هایش را غنیمت شمار که غروب آفتاب این روز، به زودی می رسد و چادرها برچیده میشوند و خاطرهایش برای تو می ماند. زنهار که دست خالی برگردی و آنجا، بار گناه را زمین نهاده و عرفانت را افزون نساخته باشی! حضرت آدم (ع)، به دستور فرشته الهی، در این سرزمین به ذکر و یاد خدا و توبه پرداخت. در اهمیت روز عرفه، همین بس که امام صادق (ع) فرمود: مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ. (۱) اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه رمضان آینده به آمرزش او امیدی نیست، مگر آنکه عرفه را [با شرایط آن] درک کند. منظور از «حج اکبر»، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، مجاهد، عطاء، سعید بن مسیب، نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می دانند. (۲) عطاء می گوید: « الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الَّذِي فِيهِ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ، وَالْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ » (۳)؛ «حج اکبر همان وقوف در عرفه و حج اصغر، عمره است».

اسماعیل قاضی در حدیث «مخرمه» از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«يَوْمُ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ يَوْمٌ عَرَفَةٌ» (۴)؛ «همانا روز عرفه، روز

- ۱- کافی، ج ۴، ص ۶۶.
- ۲- تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ۸، ص ۶۹.
- ۳- همان، ص ۷۰.
- ۴- همان.

ص: ۲۲

حج اکبر است» .

ابن ابی حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مخرمه از قول رسول خدا (ص) آورده‌اند که:

أَنَّه قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ، فَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَاِنَّ هَذَا يَوْمُ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ. (۱)

پیامبر (ص) پس از ظهر عرفه، برای مردم سخن می‌گفت و خطاب به آنها فرمود: «امروز، روز حج اکبر است» .

ابن جریر نقل می‌کند که از علی بن ابی طالب (ع) در مورد روز حج اکبر سؤال کردم، ایشان فرمود: «روز عرفه است» (۲).

ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است: همانا روز عرفه، روز حج اکبر است و این روز، روز مباحات است. روزی است که خداوند به اهل زمین در برابر ملائکه آسمان، فخر کرده و می‌فرماید: «ژولیده موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده‌اند. به من ایمان آوردند، با آنکه مرا ندیده‌اند. به عزت خودم سوگند آنها را می‌بخشم» (۳).

برخی از افرادی که این قول را پذیرفته‌اند، به حدیث معروف »

الحجّ عرفه « استدلال کرده، می‌گویند: از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین اعمال حج، وقوف در عرفه می‌باشد و کسی

- ۱- تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۲- درالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۳.
- ۳- همان.

ص: ۲۳

که آن را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند، حج او باطل است، لذا روز عرفه را روز حج اکبر نامیده‌اند. (۱) درباره اهمیت عرفات همین بس که در روایتی آمده است: « الحج عرفه » (۲)؛ «حج، عرفه است». البته این بدان معنا نیست که دیگر اعمال حج، کم اهمیت‌اند، بلکه این روایت، حاجیان را به مهم‌ترین رکن حج - که عرفه است - هدایت می‌کند و شاید دلیل شدت این اهمیت، همان نقشی باشد که عرفات در آموزش گناهان دارد که انسان‌های گنه‌کار وارد آنجا شده، بخشوده شده و خارج می‌شوند. در برخی روایات فریقین، از روزه گرفتن در روز عرفه نهی شده است که شاید علت این نهی، شور و نشاط داشتن هنگام دعا و نیایش است؛ زیرا انسان روزه‌دار، در آن سرزمین و به ویژه در آن هوای گرم، به آسانی نشاط نیایش نمی‌یابد. بنابر روایتی که مجلسی در بحارالانوار نقل می‌کند، روزه گرفتن در روز عرفه، برای کسی که در دعا خواندن ضعف پیدا نکند، مستحب است و این خود مؤید آن است که کراهت روزه بدان جهت است که انسان‌ها برای دعا خواندن، حال و نشاط داشته باشند. (۳)

روز عرفه، روز دعاست. اهمیت دعا در این روز به اندازه‌ای است که

- ۱- تفسیر کبیر، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، ج ۱۰، ص ۳۴.
- ۳- بحارالانوار، ج ۹۴، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

ص: ۲۴

اگر روزه داشتن سبب ضعف و بی حالی فرد در دعا شود، سزاوار است روزه نگیرد تا بتواند دعا کند. (۱) با اینکه روزه آن روز، جبران گناهان نود ساله است. (۲) دعا و تضرع به درگاه خدا و طلب حوائج دنیا و آخرت، از مهم ترین اعمال این روز است؛ تا آنجا که فرموده اند: «روزه داری این روز با تمام فضیلت و اجر عظیمی که دارد، کفاره نود سال است» (۳).

امیرمؤمنان علی (ع) ، فرمود:

مَنْ صَامَ يَوْمَ عَرَفَةَ مُحْتَسِبًا فَكَأَنَّمَا صَامَ الدَّهْرَ. (۴)

کسی که روز عرفه روزه بگیرد، مانند آن است که تمام روزگار روزه گرفته است. ولی اگر موجب ضعف و سستی دعا شود، محکوم به کراهت است. (۵) به راستی که ارزش و اهمیت این روز مصداق این سروده خیام است که می گوید:

این قافله عمر عجب می گذرد دریا ب شبی که در طرب می گذرد

- ۱- ر. ک: مفاتیح الجنان. موضوع روزه گرفتن برای غیر حجّاج مطرح است؛ چرا که زائر خانه خدا مسافر است و نباید روز بگیرد.
- ۲- المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ص ۲۲۹.
- ۳- همان.

۴- کتاب الصیام شهر رمضان المبارک، ج ۱، ص ۵۹۴.
۵- همان.

ص: ۲۵

ساقی، غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می گذرد (۱)
امام صادق (ع) فرمود:
هنگامی که روز عرفه به پایان انجامید و شب فرا رسید، فرشتگان به دوش انسان زده و می گویند: «ای زائر خانه خدا! گذشته‌های تو بخشیده شد، مواظب باش که در آینده، چگونه ای؟» (۲)

۳. امامت و روز عرفه

روایت‌های فراوانی در مورد حضور امام عصر (عج) در این روز در عرفات وجود دارد. (۳) امام سجاد (ع) در نیایش عرفه خود، با اشاره به ارتباط میان روز عرفه و امامت، می فرمایند:

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشْرَتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِّنْ هَدِيَّتِهِ لَدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ، وَ أَرَشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ

۱- خیام نیشابوری.

۲- وافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۵.

۳- از جمله می توان به این روایت امام صادق ۷ اشاره کرد که حضرت می فرماید: «مردم امامی را نمی یابند که در مراسم حج حاضر نباشد. او مردم را می بیند، ولی مردم او را

نمی‌بینند»؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۵. ر. ک: تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی کاشانی، بخش چهارم.

ص: ۲۶

أعدائک. (۱)

مُعَادَاةٌ

خدایا! امروز روز عرفه است؛ روزی که آن را شریف و گرامی داشته‌ای و تعظیم و تجلیل کرده‌ای. در این روز، رحمت خود را پراکنده‌ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده‌ای و عطای خود در حق ایشان افزوده‌ای و بر بندگانت تفضل فرموده‌ای. ای خداوند! من آن بنده توام که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن. او را در زمره کسانی آورده‌ای که آنها را به دین خود راه نموده‌ای و به گزاردن حق خویش، توفیق داده‌ای و اکنون چنگ در ریسمان دوستی تو زده و تو او را در حزب خود داخل کرده‌ای و او را راهی نموده‌ای که با دوستان دوستی ورزد و با دشمنانت دشمنی کند.

امام محمد باقر (ع) نیز در حدیثی ضمن اشاره به اهمیت روز عرفه و موضوع امامت، نکته‌هایی را درباره روز عید غدیر متذکر شدند. ابی‌الجارود می‌گوید: شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: «خدای عزوجل پنج چیز بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیزش را گرفتند و یکی را رها کردند». عرض کردم: «قربانت کردم، آنها را برای من نام می‌بری؟» فرمود: در نماز، مردم نمی‌دانستند چگونه نماز گزارند تا جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «ای محمد! وقت‌های نماز را به مردم خبر ده...». زکات پس از نماز نازل شد. جبرئیل گفت: «ای محمد! راجع به زکات، آنها را خبر ده؛ چنان که راجع

ص: ۲۷

به نماز خبر دادی». سپس روزه ماه رمضان، میان شعبان و شوال نازل شد. سپس امر به حج رسید و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «چنان که درباره نماز و زکات و روزه به مردم خبر دادی، درباره حج هم خبر ده». سپس امر به ولایت رسید و آن امر، روز جمعه در عرفه رسید و خدای عزوجل آیه: «امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» را نازل کرد و کمال دین به سبب ولایت علی بن ابی طالب (ع) بود. پیامبر (ص) در آنجا فرمود: «امت من هنوز به دوران جاهلیت نزدیک اند [تازه از جاهلیت به اسلام گرویده اند]. اگر من نسبت به پسرعمویم به آنها خبری دهم، هرکسی حرفی می زند، من این مطلب را بدون اینکه به زبان آورم، در دلم می گفتم تا آنکه فرمان حتمی خدای عزوجل به من رسید و مرا تهدید کرد که اگر ابلاغ نکنم، عذابم خواهد کرد و این آیه نازل شد:

یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است، به طور کامل [به مردم] ابلاغ کن. اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خدا تو را از [خطرات احتمالی] مردم حفظ می کند و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. پس رسول خدا (ص)، دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند [از دارفانی به عالم باقی رهسپار گشتند] و نزدیک است

ص: ۲۸

که مرا هم بخواند و اجابت کنم. من مسئولیت دارم و شما هم مسئولیت دارید. اکنون شما چه می گوید؟» آنها گفتند: «گواهی دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود، رسانیدی. خدا بهترین پاداش پیغمبران را به تو دهد». پیغمبر سه مرتبه

فرمود: «خدایا! شاهد باش». سپس فرمود: «ای گروه مسلمانان! این [شخصی که روی دست من و نامش علی بن ابی طالب (ع) است] پس از من ولی شماست. شما که حاضرید به غائبین برسائید» .

امام باقر (ع) در ادامه فرمود: به خدا که علی (ع)، امین خدا بود بر خلقش و راز پنهانش و دینی که برای خود پسندیده بود. سپس وفات رسول خدا (ص) فرارسید. آن حضرت، علی (ع) را طلبید و به او فرمود: «ای علی! من می‌خواهم آنچه را که خدا مرا بر آن امین ساخته و به من سپرده، تو را بر آن امین سازم و به تو سپارم و آن راز پنهان خدا و علم خدا و مخلوق خدا و دینی است که برای خود پسندیده» .

امام باقر (ع) فرمود: به خدا ای زیاد هیچ کسی را در اینها شریک علی نساخت. سپس وفات علی (ع) فرارسید. آن حضرت، فرزندانش را که دوازده پسر بودند، نزد خود خواند و به آنها فرمود: «فرزندان عزیزم! خدای عزوجلّ اراده حتمی فرمود که سنتی از یعقوب در من قرار دهد. یعقوب دوازده پسر داشت، آنها را نزد خود خواند و صاحب آنها [و جانشین خود] را به آنها معرفی کرد. آگاه باشید که من هم صاحب شما را معرفی می‌کنم. همانا این دو، پسران رسول خدا (ص) حسن و حسین (علیهماالسلام) هستند، از آنها بشنوید و فرمان برید و

ص: ۲۹

پشتیبانی نمایید که من آنچه را رسول خدا به من سپرده و خدا به او سپرده بود، به آنها می‌سپارم و آن چیز مخلوق خدا و راز پنهان خدا و دینی است که او برای خود پسندیده است» .

پس، خدا برای آنها از جانب علی واجب ساخت، آنچه را علی از جانب پیامبر (ص) واجب ساخت [و آن شنیدن و فرمانبری و پشتیبانی امت است از ایشان] و هیچ‌یک از آن

دو، بر دیگری برتری نداشت، جز به واسطه بزرگسالی اش [که مخصوص امام حسن (ع) بود] و چون امام حسین (ع) به محضر امام حسن (ع) می‌آمد، در آن مجلس سخن نمی‌گفت تا برمی‌خواست .

سپس وفات امام حسن (ع) فرا رسید و او آن سپرده را به امام حسین (ع) تسلیم نمود. سپس وفات امام حسین (ع) فرا رسید. آن حضرت، دختر بزرگ‌ترش فاطمه بنت‌الحسین (علیهما‌السلام) را طلبید و مکتوبی پیچیده و وصیتی آشکار به او سپرد و علی بن‌الحسین (علیهما‌السلام) بیماری از نظر معده داشت که در حال احتضارش می‌دیدند. پس فاطمه آن مکتوب را به علی بن‌الحسین (علیهما‌السلام) داد. سپس، به خدا آن مکتوب به ما رسید. (۱)

در سال دهم هجری قمری، صحرای با عظمت و مقدس عرفات، شاهد آخرین حج پیامبر (ص) (حَجَّةُ الْوِدَاعِ) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبه مهم و تعیین‌کننده آن حضرت که به حق، آن را «منشور حقوق بین‌الملل اسلامی» نامیدند، در تاریخ اسلام جایگاه بس ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر (ص) در تمامی منابع تاریخی

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹.

ص: ۳۰

آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر (ص) برای ابلاغ این خطبه، بر فراز همان سنگی که بعدها به منبر تبدیل شد، ایستاده بود. برخی از محدثان اهل سنت (۱) بر این باورند که آیه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ، به‌هنگام وقوف پیامبر (ص) در عرفه (حَجَّةُ الْوِدَاعِ) نازل شده است. اما مفسران

شیعه، نزول آن را در «غدیر خم»، که پیامبر (ص) چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواند، می‌دانند. (۲)

۴. فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه

بخش-ودگی اهل گنه در صف محشر وابسته به یک گردش چشمان حسین است از جمله افضل اعمال وارده در روز عرفه، زیارت امام حسین (ع) است. امام صادق (ع) فرمود:

هر کس قبر امام حسین (ع) را در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار هزار حج که با قائم آل محمد (عج) کرده باشد، بنویسد و هزار هزار عمره که با حضرت رسول (ص) کرده باشد و نیز ثواب آزاد کردن هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار کس به جهاد در راه خدا برای او

- ۱- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، صص ۲۲ و ۲۳.
- ۲- علامه امینی در اثر ارزشمند خود «الغدیر»، نظرهای گوناگونی را با مستندات روایی و تاریخی ارائه کرده است.

ص: ۳۱

نوشته شود و خداوند او را بنده تصدیق کننده او و ایمان آورده به وعده او می‌نامد و ملائکه گویند: «فلان مرد صدیق است» و خداوند او را در بالای عرش عظمت و جلالش ثنا گفته است و در زمین، او را کروبوی نامند که لقب ملائکه مقرب است. (۱)

امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود:

هرگاه حج واجب را به جا آورد و بخواهد که حج یا عمره مستحبی به جا آورد، ولی مشغله دنیوی یا علایق، او را مانع شد، در روز عرفه کنار قبر امام حسین (ع) برود که او

را مجزی است از ادا کردن حج و عمره و حق تعالی ثواب او را چندین برابر کند. راوی پرسید: «ثوابش چند برابر حج و عمره است؟» حضرت فرمود: «ثوابش را نمی‌توان شمرد». پرسید: «صد برابر؟» فرمود: «کی می‌شود شمرد». پرسید: «هزار برابر؟» فرمود: «بیشتر». پس این آیه را خواند (۲):

وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل: ۱۸)

اگر نعمت‌های خدا را بشمارید؛ هرگز نمی‌توانید آنها را احصاء کنید. به درستی که خداوند آمرزنده و مهربان است.

شیخ صدوق، در ثواب الاعمال نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام)

- ۱- وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، ج ۷، ص ۴۶۰؛ المراقبات، ص ۲۲۹.
- ۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۹۲.

ص: ۳۲

عَشِيَّةَ عَرَفَةَ

خدا در شب عرفه نخست به زوار امام حسین (ع) توجه می‌کند. راوی از آن حضرت پرسید: «آیا پیش از نظر کردن به حاجیان در عرفات؟» امام (ع) پاسخ داد: «آری».

امام (ع) در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَتَجَلَّى لَزُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتِ (فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ) وَ يَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَ يَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ يَشْفَعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ يَثْنِي بِأَهْلِ عَرَفَاتِ يَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ.

(۱)

پروردگار حکیم، عنایت ویژه خود را متوجه زوار قبر امام حسین (ع) می‌کند، پیش از

آنکه به حجاج واقف در عرفات توجه کند. خدا حوایج زوار حسین را برآورده می‌سازد، گناهانشان را می‌بخشد و از آنها شفاعت به عمل می‌آورد. پس به حاجیانی که در عرفات وقوف کرده توجه نموده، با آنها نیز این چنین عمل می‌کند.

۱- نک: ثواب الاعمال، ابن بابویه قمی، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۶۵؛ المراقبات، ص ۲۲۹.

ص: ۳۳

گفتار دوم: آیین نیایش

اشاره

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب ما را ز جام باده هستی خراب کن (۱)

۱. نیایش از چشم‌انداز آیه‌های قرآن کریم

جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجاب-ت از تو است
 ه-م ز اول-ت و ده-ی می-ل دعا تو دهی آخر دع-ها را جزا
 اول و آخ-ر-ت-وی، م-ا در میان هیچ هیچی که نیاید در بیان (۲)
 در آیاتی از قرآن مجید، به مسئله دعا و نیایش توجه ویژه‌ای شده است؛ از جمله در آیه‌هایی همچون:

۱- حافظ. نقل است که عارف کامل، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، استاد اخلاق امام خمینی قدس سره، مکرر این شعر را در قنوت نوافل می‌خوانده‌اند. ر. ک.: طیب دل‌ها،

به نقل از استاد حسن زاده آملی، ص ۱۹۱ .
۲- مولوی.

ص: ۳۴

وَ إِذَا سَأَلْتَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا
بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: ۱۸۶)

و چون که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو:] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند].
علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر این آیه می فرماید:
دعا با سؤال متفاوت است؛ دعا عبارت از این است که دعاکننده می خواهد نظر مخاطب را به خود متوجه سازد و سؤال این است که پس از یافتن مخاطب، چیزی از او درخواست نماید.

بنابراین، سؤال در حکم غرض و نتیجه دعاست و این معنا بر تمام مصادیق سؤال منطبق می گردد؛ مانند سؤال از مطالب علمی، سؤال از محاسبات و سؤال برای کمک خواستن و.

در رابطه با این آیه، نکته های دیگری نیز قابل طرح اند:
اول اینکه، اساس سخن بر گویندگی ذات اقدس الهی، به صورت متکلم و حده گذارده شده است، نه غیبت و مانند آن و این امر، خود نشان دهنده کمال عنایت به این موضوع است؛

دوم اینکه، به جای اینکه گفته شود: »
اذا سألک الناس« ، عبارت

عبادی « را به کار برده که این خود از عنایت بیشتری حکایت دارد؛ سوم اینکه، واسطه در جواب حذف شده و بدون واسطه، چنین آمده

۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۱.

ص: ۳۵

است: «
 اِنِّی قَرِیْبٌ و نفرموده: «
 فَقُلْ اِنِّی یا «
 اِنَّه قَرِیْبٌ» ؛
 چهارم اینکه، در این جمله، برای تأکید از حرف «
 اِنَّ» استفاده شده است؛
 پنجم اینکه، مسئله قُرْب خدا با صفت «
 قَرِیْب» وصف شده، نه با فعلی که بر قرب دلالت داشته باشد و بدین ترتیب، بر ثبوت و
 دوام قرب تأکید شده است؛
 ششم اینکه، اجابت با فعل مضارع «
 اُجِیْب» ذکر شده، تا بر تجدد و استمرار اجابت دلالت کند؛
 هفتم اینکه، اجابت دعا با جمله شرطی «
 اِذَا دَعَا» ؛ «اگر مرا بخواند» ، مقید شده است و این قید، مطلب زایدی بر عبارت «
 دَعْوَةُ الدَّاعِ» ندارد. بلکه عین همان است و فایده چنین قیدی این است که اجابت دعا،
 مقید و مشروط به هیچ قید و شرطی نیست؛ چنان که در آیه شریفه چنین آمده است: وَقَالَ
 رَبُّكُمْ ادْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ ؛ «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را
 بپذیرم» (غافر: ۶۰)

این آیه، گواه شدت عنایت خداوند به امر دعا و تأثیر آن و سرعت و قاطعیت اجابت آن است و از ویژگی های این آیه شریفه، این است که با همه ایجازی که دارد، هفت مرتبه یاد خدای سبحان به گونه ضمیر متکلم در آن تکرار شده و این تنها آیه قرآن است که چنین مزیتی دارد. (۱)

۱- ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۲، صص ۳۰ و ۳۱.

ص: ۳۶

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (اعراف: ۵۵ و ۵۶)

پروردگار خود را [آشکارا] از روی تضرع و پنهانی بخوانید؛ [و از تجاوز، دست بردارید
که] او متجاوزان را دوست نمی دارد و در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکند و او را با
بیم و امید بخوانید [بیم از مسئولیت ها و امید به رحمتش و نیکی کنید]؛ زیرا رحمت خدا
به نیکوکاران نزدیک است.

الهی سینه های ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز
هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست
دل پر شعله گردان، سینه پر درد زبانم کن به گفتن آتش آلود (۱)

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان: ۷۷)

بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست. اگر دعای شما نباشد، شما [آیات خدا و
پیامبران را] تکذیب کردید و این عمل، دامن شما را خواهد گرفت، از شما جدا نخواهد
شد.

يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (الرحمن: ۲۹)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از او درخواست میکنند و او هر روز، در شأن و کاری است.

۱- وحشی بافقی.

ص: ۳۷

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
دَاخِرِينَ (غافر: ۶۰)

پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من، تکبر میورزند، به زودی خوار به دوزخ در آیند.

۲. فضیلت نیایش

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس
رسول خدا (ص) فرمود: «

مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّعَاءِ» (۱)؛ «هیچ چیزی نزد خدا گرامی تر و با
ارزش تر از دعا نیست» .

حضرت در روایتی دیگر فرمود: «
الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ لَا يُهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ» (۲)؛ «دعا مغز عبادت است، هیچ گاه کسی با
دعا هلاک نمی شود» .

امام باقر (ع) نیز در پاسخ به سائلی که پرسید: «قرآن زیاد خواندن افضل است یا دعا زیاد
کردن؟» فرمود: «زیاد دعا کردن افضل است» . سپس حضرت این آیه را خواند: قُلْ مَا
يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ «بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای

شما (نباشد) (فرقان: ۷۷) . (۳)

در میان دستورهای دینی، بحث دعا فصل ویژه‌ای را به خود

- ۱- عدّه الداعی، ابن فهد حلی، ص ۳۱۳.
- ۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.
- ۳- عدّه الداعی، ص ۱۴.

ص: ۳۸

اختصاص داده است. گذشته از بعضی عبادت‌ها مانند نماز که تقریباً سراسر دعاست، در برخی عبادت‌ها مانند روزه و حج و غیره، دعا سنت شده است. دعا‌های بسیاری در مواقع معین، مانند دعای کمیل که شب‌های جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای ندبه که هر صبح جمعه آن را می‌خوانند یا دعای سمات که در عصر جمعه خواندن آن مستحب است و همچنین دعای معروف مکارم الاخلاق و مرضی‌الافعال (۱) یا خواندن دعای عهد که محدث قمی (رحمه‌الله) (۲) آن را از حضرت صادق (ع) نقل کرده و نیز خواندن ادعیه مأثوره در روزهای عید، به‌ویژه دعای عرفه امام حسین در سرزمین عرفات و . . . فضیلت‌های بسیاری را نصیب انسان می‌کند؛ زیرا بیشتر آنها مشتمل بر مضامین عالی از معارف الهی و تمجید و تنزیه حق تعالی و اظهار عجز و عبودیت از سوی بنده و درخواست اخلاق پسندیده و طلب توفیق برای اعمال نیک و تقاضای رفع بلیات و . . . است.

دردم نهفته به ز طیبیان مدّعی باشد که از خزانه غیث دوا کنند (۳)

امام خمینی (قدس سره) در مقدمه وصیت‌نامه الهی -سیاسی‌شان می‌فرمایند:

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه و دعای عرفه امام حسین بن

- ۱- صحیفه مبارکه سجّادیه، دعای بیستم.
- ۲- مفاتیح الجنان، عباس قمی.
- ۳- حافظ.

ص: ۳۹

علی (علیهماالسلام) و صحیفه سجّادیه، این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ماست. (۱)

الکسیس کارل، اندیشمند معروف فرانسوی که برنده دو جایزه نوبل است، درباره نیایش چنین می گوید:

نیایش همچون دم زدن، خوردن و آشامیدن از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت طبیعی سر می زند. خوردن، نمو کردن، تکثیر نسل و نیایش، چهار بعد اساسی روح انسان هستند؛ زیرا انسان واحدی است که نیمی ز آب و گل، نیمی ز جان و دل. نیایش نه همچون تخدیر آرام بخش است، بلکه آرامشی که می بخشد، زائیده اشباع تشنگی و نیاز و اضطراب روح آدمی و پاسخ گفتن به کمبودهایی است که در عمق فطرت آدمی هست. این است که نیایش برخلاف تخدیر که به ضعف و مرگ منتهی می شود، نیروزا، نشاطانگیز و عامل شکفتگی احساس ها، عاطفه ها و استعدادهای مرموز درون روح آدمی است.

حجاب چهره (۲) جان می شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم (۳)

طبق روایت های معصومان (علیهم السلام) درمی یابیم که برای جلب رحمت پروردگار، «دو سبب» در کار است: یکی «عمل» و دیگر «دعا و سؤال».

- ۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶. ر. ک. : تفسیر سوره مبارکه حمد، صص ۷۹ - ۸۱.
- ۲- مقصود از چهره، تجلیات غیرماده در حال غیبت سالک است.
- ۳- حافظ.

ص: ۴۰

اهل عمل، از باب «عدل» وارد می‌شوند و به «اجر» خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از باب «فضل» وارد و مشمول «رحمت» می‌شوند. «ابن فهد حلی» در کتاب «عُدَّة الداعی» از کتاب دعای محمد بن حسن صفّار، روایتی را نقل کرده که سند آن به رسول خدا (ص) می‌رسد: باید از خدا بخواهید تا به شما عطا کند؛ چه آنکه خدا را بندگانی است که عمل می‌کنند و خدا اجرشان را می‌دهد و بندگان دیگری دارد که با صدق و اخلاص از او سؤال می‌کنند [و از باب دعا وارد می‌شوند]. پس، خدا عطا می‌کند به ایشان و سرانجام، همه را در بهشت و دار سعادت، مجتمع می‌سازد. آن‌گاه دسته عاملین [با تعجب] می‌گویند: «پروردگارا! ما که مورد لطف و عنایت واقع شده‌ایم، نتیجه اعمال خوب ما بوده است. اما این دسته [که در عمل، قاصر بوده‌اند] از چه راه، به این درجه از کرامت و عطا رسیده‌اند؟» می‌فرماید: «بندگان من! شما کار خوب کرده و مزد خود را گرفته‌اید. بی‌کم و کاست هم گرفته‌اید. اما اینان به گدایی در خانه من آمده‌اند و دست سؤال، به سوی من دراز کرده‌اند [صورت مسکنت بر خاک ذلت نهاده و دست به دامن فضل‌م زده‌اند. من هم، دامن از دستشان نکشیده و محرومشان نکرده‌ام، بلکه مشمول فضلشان کرده و در طاق و رواق عزت و مکرمت، جایگزینشان ساخته‌ام]. پس به ایشان عطا کردم و آن، فضل من است که به هر کس بخواهم، می‌دهم». (۱)

۱- عده‌الداعی فارسی، ابن فهد حلی، ص ۲۸؛ شرح نهج‌البلاغه، ابوالقاسم خویی، ج ۴، ص ۲۶۳.

ص: ۴۱

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:
 يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلَانِ كَانَا يَعْمَلَانِ عَمَلًا وَاحِدًا فَيَرَى أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ بِمَا
 أَعْطَيْتَهُ وَكَانَ عَمَلْنَا وَاحِدًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَنِي وَكَمْ تَسَأَلَنِي ثُمَّ قَالَ سَلُوا اللَّهَ وَاجْزِلُوا
 فَأَنَّهُ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ. (۱)

دو مرد، در بهشت درآیند که هر دو، یک عمل انجام داده‌اند: یکی از آن دو، ببیند دیگری را که مرتبه‌اش بالاتر از اوست. گوید: «ای پروردگار من! به چه چیز، او را این مرتبه و مقام عطا فرمودی؟ حال آنکه هر دو، دارای یک عمل بوده‌ایم». خداوند متعال می‌فرماید: «او از من سؤال و درخواست می‌کرد و تو نمی‌کردی». سپس رسول خدا (ص) فرمود: «از خدا سؤال و طلب کنید و بسیار هم طلب کنید؛ چه آنکه هیچ چیز نزد خدا، بزرگ نمی‌آید».

امام صادق (ع) فرمود:
 يَا مَيِّسِرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَكَو
 أَنْ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَكَمْ يَسْأَلُ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ يَا مَيِّسِرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوَشِّكُ
 أَنْ يَفْتَحَ لِصَاحِبِهِ. (۲)

ای میسر! [اسم راوی است] دعا کن و مگو که کار تمام شده و مقدر گردیده است [و دیگر دعا فایده‌ای نخواهد داشت]. چه آنکه، نزد خدا منزلتی هست که به آن، نایل نمی‌شوی، مگر از طریق دعا و سؤال و درخواست از خدا و اگر بنده‌ای، دهان خود را ببندد و از خدا نخواهد، چیزی به او داده نمی‌شود.

- ۱- شرح نهج البلاغه، خوبی، ج ۴، ص ۲۶۳.
 ۲- کافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

ص: ۴۲

پس بخواه تا داده شوی. ای میسر! مسلم آنکه هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آنکه به زودی، به روی کوبنده‌اش گشوده گردد. گفت پیغمبر که گر کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری عارفی را پرسیدند: «بدین در آمده‌ای، چه آورده‌ای؟» گفت: «گدایی که بر در خانه سلطان آید، از او نمی‌پرسند چه آورده‌ای، بلکه می‌گویند: ای گدای بینوا! چه می‌خواهی؟» (۱).

گویند درویشی ژنده‌پوش، قصد رفتن به دربار پادشاه داشت. او را گفتند: «این لباس کهنه و چرکین، از تن بر کن و لباسی نو بپوش که این، مناسب مجلس سلطان نیست». درویش گفت:

چه کنم که لباسی غیر این ندارم! با لباس پاره و چرکین به دربار شاهان رفتن، عیب نیست که درویش مسکین، لباسش همین است. چه کند بینوا همان دارد. اما عیب و ننگ آن است که با همان لباس پاره و چرکین، از خانه سلطان بیرون آید که این عمل، سزاوار شأن شاهان نیست. (۲).

حال، بنده بینوا اگر با جانی آلوده و ننگین از گناه، به درگاه خداوند ذوالمن و الکریم برود، عار نیست؛ زیرا حقیقت بنده شرمسار غرق در گناه، همین است. حال آنکه برگشتن از در خانه پروردگار بخشنده با همان جان آلوده و چهره شرمنده از گناه، منافی شأن پروردگار و در واقع، خلاف انتظار است.

- ۱- اسرار العبادات، قاضی سعید قمی، ص ۲۳۴.
 ۲- همان.

ص: ۴۳

امام صادق (ع) فرمود:
دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدْرِي الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ. (۱)
 دعای مرد درباره برادر غایبش، روزی را فراوان و ناملايمات را برطرف می‌سازد.
 علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده که ایشان گفت:
 دیدم عبدالله بن جندب را در موقف عرفات، در حالی که موقفی بهتر از موقف او ندیدم.
 در تمام مدت وقوف، دست‌هایش به جانب آسمان بلند بود و اشکش به صورتش
 می‌ریخت و به زمین می‌رسید، تا وقتی که مردم از عرفات بازگشتند. گفتم: «ای ابامحمد!
 من هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیدم». گفت: «به خدا قسم، من دعا نکردم، مگر
 درباره برادران دینی‌ام و این برای آن بود که خبر داد مرا ابوالحسن موسی (ع) [امام موسی
 بن جعفر (علیهما السلام)] که:
مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَلَكَ مِائَةٌ أَلْفَ ضِعْفٍ فَكْرَهْتَ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ
أَلْفٍ مَضْمُونَةٍ لَوَاحِدَةٍ لَا أَدْرِي تَسْتَجَابُ أَمْ لَا. (۲)
 هر که دعا کند درباره برادر خود که غایب است، ندا از عرش می‌رسد که، از برای تو
 باشد صد هزار برابر این و لذا من سزاوار ندیدم که از دست بدهم صد هزار [حسنه یا
 دعای] ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا نه.
 ابن ابی عمیر از زید نرسی روایت کرده که با معاویة بن وهب در

- ۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۷.
 ۲- همان؛ عُدَّةُ الدَّاعِي فَارْسِي، ص ۱۳۶.

ص: ۴۴

عرفات بودم و او دعا می کرد. در موقع دعا کردن دقت کردم، حتی یک کلمه برای خودش دعا نکرد. مردم شهرهای دوردست را با ذکر نام و نام پدرانشان دعا می کرد، تا اینکه مردم از عرفات بازگشتند. به او گفتم: «ای عم! از تو امر عجیبی دیدم». گفت: «چیست آنچه تو را به تعجب آورده؟» گفتم: «اینکه در چنین موضعی، مردم را بر نفس خود اختیار کردی و اینکه یک یک آنها را در اینجا یاد کردی!» پس، به من گفتم: جای تعجب ندارد ای پسر برادر من! به درستی که من شنیده‌ام از مولای خود و مولای تو و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای و او بعد از پدران بزرگوار خود که به خدا سوگند سید گذشتگان و آیندگان بود؛ و آلا کر باد هر دو گوشم و کور باد هر دو چشمم و نرسم به شفاعت محمد (ص)، اگر این سخن را از امام (ع) نشنیده باشم که: «هر که از برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند، فرشته‌ای از آسمان دنیا ندا کند که ای بنده خدا! ۱۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست و او را فرشته‌ای از آسمان دوم ندا کند که ای بنده خدا! ۲۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست، و او را فرشته‌ای از آسمان سوم ندا کند که ای بنده خدا! ۳۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان چهارم ندا کند که ای بنده خدا! ۴۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان پنجم ندا کند که ای بنده خدا! ۵۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان ششم ندا کند که ای بنده خدا! ۶۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان هفتم ندا کند که ای بنده خدا! ۷۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست.

ص: ۴۵

بعد از آن ندا کند او را خدای عزوجل که منم غنی مطلق که اصلاً احتیاج ندارم. ای بنده من! هزار هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست. پس کدام یک از این دو امر عظیم

بزرگ تر است ای پسر برادر من؟ آنچه را من از برای نفس خود اختیار کردم، یا آنچه تو مرا به آن امر می کنی؟!» (۱)

۳. اسباب استجاب دعا

اشاره

ای سر تو در سینه هر صاحب راز پیوسته در رحمت تو بر همه باز هرکس که به درگاه تو آمد به نیاز محروم ز درگاه تو کی گردد باز (۲) در کتاب عدّه الداعی، اسبابی جهت استجاب دعا نوشته شده که در این قسمت، در هفت عنوان آن را ارائه می کنیم: (۳)

الف) زمان دعا

از امام باقر (ع) روایت شده است: خدای تعالی، هر شب جمعه از اول شب تا آخر از بالای عرش ندا می کند: «آیا بنده مؤمنی نیست که بخواند مرا و قبل از طلوع فجر برای دین یا دنیای خود دعا کند تا او را اجابت کنم؟ آیا بنده مؤمنی نیست که قبل از طلوع فجر، توبه کند و از گناهش به سوی من بازگردد تا توبه او را بپذیرم؟ آیا

- ۱- عدّه الداعی فارسی، ص ۱۳۶.
- ۲- شیخ ابوسعید ابوالخیر.
- ۳- محتوای ذیل این عنوان، تلخیص از باب دوم کتاب عدّه الداعی با عنوان «و اسباب اجابت دعا» است. ر. ک: ص ۹۴.

ص: ۴۶

بنده مؤمنی نیست که روزی بر او تنگ شده باشد و قبل از روشن شدن روز از من درخواست زیاده رزقش کند تا روزی او را زیاد کنم و بر او وسعت دهم؟ آیا بنده مؤمن بیماری نیست که از من قبل از ظاهر شدن صبح، شفای خود را سؤال کند تا او را عافیت بخشم؟ آیا بنده مؤمن محبوس مغمومی نیست که از من سؤال کند تا از زندان آزادش کنم و راهش را باز کنم؟ آیا بنده مؤمن مظلومی نیست که قبل از طلوع فجر از من بخواهد که برای او آنچه به ظلم از او گرفته‌اند، بگیرم و او را نصرت دهم؟» پس فرمود: «خدای تعالی دائماً به این کلمات ندا می‌کند تا آنکه فجر طالع شود». (۱)

در روایت است که بنده مؤمن از خدا حاجت می‌خواهد و خدای عزوجل قضای حاجت او را تا روز جمعه به تأخیر می‌اندازد. (۲)

از حضرت صادق (ع) روایت شده که حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم». فرمود: «آن را به تأخیر انداخت تا سحر شب جمعه شد» (۳).

در حدیثی از حضرت رضا (ع) روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب، ملکی را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد که گوید: «آیا سؤال‌کننده‌ای هست که

-
- ۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۲۰.
 - ۲- نصایح، ترجمه: مواعظ العددیه، علی مشکینی، ص ۲۹۵.
 - ۳- همان.

ص: ۴۷

خواسته‌اش را به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه او را بپذیرم؟ آیا

استغفارکننده‌ای هست که او را بیامرزم؟» ای طالب خیر! روی آر. ای طالب شر! کوتاه کن و پیوسته ندا می‌کند به این کلمات تا فجر طالع شود. آن‌گاه به محلّ خود از ملکوت آسمان باز می‌گردد.

سپس فرمود: «این حدیث را پدرم از جدم و او از پدراش و آنان از رسول خدا (ص) به من روایت کرد» (۱).

گل مراد تو آن‌گاه مراد بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد گدایی در میخانه طرفه اکسیری است گر این عمل بکنی، خاک، زر توانی کرد به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی که سودها کنی از این سفر توانی کرد (۲).

ب) مکان دعا

از دیگر اسباب دعا، مکان دعاست. در روایتی آمده که خدای تعالی در روز عرفه، به ملائکه می‌فرماید: «ای فرشتگان من! آیا غلامان و کنیزان مرا که آمده‌اند از اطراف بلاد پراکنده و غبار آلود نمی‌بینید؟ آیا می‌دانید چه می‌خواهند؟» گویند: «پروردگارا! آنها از تو آمرزش می‌خواهند». پس حق تعالی فرماید: «شما را شاهد می‌گیرم که آنها را آمرزیدم».

و نیز روایت شده که بعضی از گناهان است که بخشیده نمی‌شوند، مگر به عرفات و مشعر الحرام. خدای تعالی فرموده است:

۱- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۱۴.

۲- حافظ.

الْحَرَامِ وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)

گاهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی] در ایام حج بهره‌گیری (از منافع حج، پی‌ریزی اقتصادی صحیح اسلامی است). و هنگامی که از «عرفات» کوچیدید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت کرد و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. یکی از اماکن دعا، بلکه اشرف مکان‌ها، نزد قبر امام حسین (ع) است. روایت شده که خدای تعالی عوض شهادت، چهار چیز به امام حسین (ع) عطا فرمود است: یکی آنکه شفا را در تربتش قرار داده است؛ دیگر اجابت دعا را زیر گنبدش و امامت را در ذریه‌اش و اینکه روزهایی را که زائران قبرش او را زیارت می‌کنند، از عمرشان محسوب نمی‌شود. (۱)

ج) اسم اعظم

از دیگر اسباب استجاب دعا، دعایی است که متضمن اسم اعظم باشد و آن را کسی به عینه و به‌طور قطع نمی‌داند، مگر شخصی که خدای تعالی او را (از انبیا و اولیای خدا) بر آن اطلاع داده باشد. (۲)

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۳.
- ۲- ر. ک: تفسیر دعای سحر، امام خمینی، ص ۱۵۸.

ص: ۴۹

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبی-س و حی-ل، دیو مس-لمان نشود (۱)

د) ترکیب دعا و زمان خاص

مانند دعای سمات که در آخرین ساعت روز جمعه خوانده می شود.

ه) ترکیب دعا و مکان خاص

مانند ادعیه وارده و زیارات مأثوره که با قرائت آن، مزار ائمه اطهار را زیارت می کنیم. نیایش عرفه در سرزمین عرفات، مصداق تام خواندن دعا در زمان و مکانی خاص است.

و) ترکیب دعا با عمل خاص

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: «رسول خدا (ص) فرمود: کسی که برای خدا نماز واجب را به جای آورد، در دنبال آن دعا مستجاب می شود». (۲)

۴. آداب نیایش

الف) دعای با گریه

دل سنگین تو را اشک من آورد به راه سنگ را سیل تواند به لب دریا برد (۳)
یکی از مهم ترین آداب و مقارنات نیایش، همراه بودن آن با

- ۱- حافظ.
- ۲- صحیفه الرضا، ص ۴۲.
- ۳- حافظ.

ص: ۵۰

گریستن است. در نیایش عرفه نیز همان گونه که ذکر خواهد شد، اباعبدالله الحسین (ع) ، بخشی از دعا را در حال گریه و تضرع بیان می فرماید. امام علی (ع) فرمود:

گریه و ترس از خدا، یکی از احسان‌ها و رحمت‌های خداست. اگر دارای آن شدید، مغتنم بشمارید و دعا کنید که اگر در یک ملت و جمعیتی کسی بگرید، خداوند بر تمام آن ملت ترحم می‌فرماید. (۱)

گریه، باارزش‌ترین سرمایه عارفان واصل است. از همین روست که در مناجات چنین می‌خوانیم

أَرْحَمَ مَنْ رَأَى مَالَهُ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. (۲)

مورد مهربانی خود قرار ده کسی را که سرمایه‌اش امید، و ساز و برگش گریه است. امام صادق (ع) درباره ارزش چشم گریان، می‌فرماید: هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است، مگر چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و هیچ چشمی نیست که از ترس خدای عزوجل به اشک خود پر شود، جز اینکه خدای عزوجل همه آن بدن را به آتش دوزخ حرام گرداند و آن اشک، بر گونه‌ای روان نگردد که گرد پریشانی و خواری ببیند و هیچ چیزی نیست، جز اینکه پیمان‌ه و وزنی دارد، مگر اشک که همانا خدای عزوجل به اندکی از آن دریا‌هایی از آتش را خاموش

- ۱- مکارم‌الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ج ۲، ص ۱۱۱.
- ۲- مفاتیح‌الجنان، دعای کمیل.

ص: ۵۱

کند. پس اگر بنده‌ای در میان یک امتی بگرید، خدای عزوجل به خاطر گریه آن بنده، به همه آن امت رحم کند. (۱)

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداست حضرت شعیب (ع)، از دوستی خداوند آن قدر گریست تا نابینا شد. ولی خداوند او را بینا ساخت. دوباره گریست تا نابینا شد. خداوند او را بینا کرد تا سه مرتبه. در مرتبه چهارم،

وحی شد که ای شعیب! اگر گریه تو از خوف جهنم است، از آن ایمن باش و اگر از شوق بهشت است، به تو عطا کردیم. عرض کرد: «الهی! برای محبت توست». خطاب شد: «چون از این جهت می‌باشد، به زودی کلیم خود، موسی را به خدمت‌گزاری و شبانی

تو خواهیم فرستاد» (۲).
 امام باقر (ع) فرمود:

هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر نیست از آن قطره اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری به آن منظور نباشد. (۳)
 ای خوشا تاریکی و اشک روان ای خوشا اشک روان عاشقان
 جان فدای عاشقی کو نیمه‌شب دیده گریان، اشک ریزان، خشک‌لب
 گاه بر بار گناهان، اشک‌ریز گه بود در فکر روز رستخیز (۴)

- ۱- اصول کافی، ج ۴، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.
- ۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰.
- ۳- اصول کافی، ج ۴، صص ۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰.
- ۴- مولوی.

ص: ۵۲

ب) دعای با توجه

تضرع و ابتهال باید با توجه و حضور قلب و رعایت حد دعا باشد. قرآن کریم می‌فرماید:
 ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف: ۵۵)
 پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید و از تجاوز دست بردارید که او متجاوزان را دوست ندارد.

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ لَا تَكُنْ
مِنَ الْغَافِلِينَ (اعراف: ۲۰۵)

و پروردگارت را در درون خود از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و
شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش. مفسران بزرگوار فرموده‌اند:

خُفِيَةً به معنای خواندن به صورت آهسته و آرام در پنهانی است و اگر کسی هنگام دعا
فریاد کشید، متعدی است و از حد دعا تجاوز کرده است؛ زیرا خداوند، موجود دوری
نیست.

در قرآن می‌خوانیم:
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران: ۸)
پروردگارا دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، از راه حق منحرف مگردان و
از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده‌ای.

ص: ۵۳

روایت شده که امیر مؤمنان (ع) فرموده:
الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَ قَلْبٍ تَقِيٍّ وَ
فِي الْمَنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَ بِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَرْعُ فَأَلَى اللَّهُ الْمَفْرَعُ. (۱)
دعا کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از
سینه پاک و دلی پرهیزگار برآید و وسیله نجات در مناجات است و خلاصی به اخلاص
آید و چون فرع و بی‌تابی سخت شود، مفرع و پناه‌گاه خداست.
اهل عمل، از راه عدل وارد می‌شوند و به اجر و پاداش خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال
از راه فضل وارد و مشمول رحمت الهی می‌شوند.
حضور گره‌می‌خواهی از او غافل مشو حافظ متی مائل حق من تهوی دع دنیا و أهملها

ج) اعتراف به تقصیر

در مورد کوتاهی کردن در عبادت و نیایش می توان به روایت های زیر اشاره کرد:
 موسی بن جعفر (ع) به یکی از فرزندان فرمود:
 يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۳.

ص: ۵۴

عَزَّوَجَلَّ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبَدُ حَقًّا عِبَادَتَهُ (۱)

پسر جانم! همواره کوشش کن، مبدا خودت را در عبادت و طاعت خدای عزوجل بی تقصیر دانی؛ زیرا خدا چنان که شایسته است، پرستش نشود.

جابر گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «

يَا جَابِرُ لَا أُخْرِجُكَ مِنَ النَّقْصِ وَ [لَا] التَّقْصِيرِ» (۲)؛ «ای جابر! خدا تو را از کاستی و

تقصیر بیرون نبرد» .

[یکی از علمای کوفه گوید: «یعنی خدا توفیقت دهد که همیشه عبادتت را ناقص و خود

را مقصر دانی» .

حضرت ابوالحسن (ع) فرمود:

إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِيْتُ إِلَّا مِنْكَ وَ مَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ .

مردی در بنی اسرائیل چهل سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد.

با خود گفت: «این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو، گناهکار نیست» .

سپس فرمود:

فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ ذِمَّتَكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً. (۳)

خدای تبارک و تعالی به او وحی نمود که نكوهشی که از خود کردی، از عبادت چهل سال بهتر بود.

- ۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۶.
- ۲- همان.
- ۳- همان.

ص: ۵۵

همچنین فضل بن یونس از حضرت ابوالحسن (ع) نقل می کند که فرمود: بسیار بگو: «بار خدایا! مرا از عاریه داران ایمان قرار مده و از تقصیر بیرون مبر». عرض کردم: معنای عاریه داران را می دانم که مردی دین را به طور عاریه می گیرد و سپس از آن خارج می شود [چون دینش مستقر و ثابت نبوده، پس از اندکی کافر و بی دین شود] معنای مرا از تقصیر بیرون مبر، چیست؟

حضرت فرمود:

هر عملی که به مقصد خدای عزوجل می کنی، خود را در آن مقصر شناس؛ زیرا مردم همگی در اعمال خویش میان خود و خدا مقصرند، جز آن که را خدای عزوجل نگهداری کند [که انبیا و ائمه (علیهم السلام) باشند؛ زیرا ایشان در شرایط عبادت به اندازه امکان کوتاهی نکنند، اگرچه برای اظهار عجز و نقصان، خود را مقصر دانند]. (۱)

بنده همان به که ز تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد و نه سزاوار خداوندی اش کس نتواند که به جای آورد

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

ص: ۵۶

ص: ۵۷

گفتار سوم: مهمترین نیایشهای وارده در روز عرفه

۱. نیایش عرف حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

اشاره

شاه دین گفتا که من از خویشتن دل بر گرفتم چون خود از دل بر گرفتم، یک جهان دلبر گرفتم

الف) مضمون عرفانی نیایش عرفه اباعبدالله الحسین (ع)

دعای عرفه، آکنده از مفاهیم، ارزشهای قرآنی و تعالیم آسمانی است. با خواندن دعای عرفه، درمیابیم که چه مقدار ائمه (علیهم السلام) با قرآن مأنوس بوده و چگونه با مکتب دعا، انسان را هدایت و راهبری می کنند. این دعا، بیانگر راز و نیاز عاشقانهرسور آزادگان عالم با محبوب و معبود یکتاست و متضمن گوهرهای ارزشمندی است که به انسان، روح

ص: ۵۸

میبخشد.

حیات

درباره دعای شریف عرفه، سند و مضمون کلی آن، باید بگوییم که این دعا، طبق منابع روایی ما، از سید عارفان و اسوه کامل آزادی خواهان عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، صادر شده است. در سرتاسر این دعای پر فیض، بندگی، ایثار، شهامت، شجاعت، کمال، علم، حلم، تواضع و اخلاص گوینده آن موج میزند. بشر و بشیر، فرزندان غالب اسدی، روایت کردهاند:

حسین بن علی بن ابی طالب (ع) عصر روز عرفه، به حالت خشوع و تواضع از خیمه‌اش خارج شد و آرام آرام قدم برمیداشت، تا اینکه او و گروهی از اهل بیت (علیهم‌السلام) و فرزندان و دوستانش، در سمت چپ کوه «جبل‌الرحمة» رو به قبله ایستادند. سپس امام (ع)، مانند فقیری که درخواست غذا می‌کند، دستانش را در برابر صورتش بلند کرد و سپس دعا را ذکر فرمود. (۱)

و چه دعای با مُسمایی است دعای عرفه! این دعای شریف (فراز اول دعای عرفه) یکی از نشانه‌های روح حماسی و بزرگ حضرت اباعبدالله (ع) است. فرازهای نیایش عرفه امام حسین (ع)، به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. شناخت حق تعالی؛
۲. تجدید عهد و میثاق با خدا؛
۳. خودشناسی؛

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲.

ص: ۵۹

۴. آفرینش؛ راز
۵. تربیت انسان در دانشگاه الهی؛
۶. نعمت‌های خداوند؛
۷. شهادت به بی‌کرانی نعمت‌های الهی؛
۸. ناتوانی بشر از به‌جا آوردن شکر الهی؛
۹. دور کردن صفت نکوهیده از خود با تسبیح پروردگار؛
۱۰. خواسته‌های یک انسان متعالی؛
۱۱. شناخت و درخواست بهترین مسئلت‌ها؛

۱۲. درخواست نیازهای تربیتی از خدا؛
۱۳. شکایت به پیشگاه خداوند؛
۱۴. مربی پیامبران و فرستنده کتب آسمانی؛
۱۵. لطف الهی به پیام آوران رحمت الهی؛
۱۶. گنه بینی و لطف خداوندگار؛
۱۷. مقایسه‌ای میان اعمال ما و رفتار خدا؛
۱۸. اقرار و اعتراف به الطاف الهی؛
۱۹. اعتراف به گناه خویش؛
۲۰. اظهار شرمندگی؛
۲۱. ثنای پروردگار؛
۲۲. حاجت خواهی؛
۲۳. درخواست بهترین عطایا؛
- ص: ۶۰
۲۴. گسترش رحمت الهی؛
۲۵. گسترش علم، توانایی و رأفت الهی؛
۲۶. توجه به خدا به وسیله پیامبر (ص)؛
۲۷. تسبیح کائنات؛
۲۸. روزی حلال و نعمت سلامتی.

ب) سند نیایش

این دعای با عظمت که در توحید و خداشناسی بینظیر است، توسط سرور شهیدان عالم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) قرائت و انشاء شده است و در بلاغت لفظ و علو معنا مشهور است و آن را باید از ادله امامت و ولایت حضرتش شمرد. این دعا را بشیر و بشر،

پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند و چنان که از قرائن برمی‌آید، این دو نفر خود، مردانی سخن‌شناس، خردمند و هوشیار بوده‌اند. شیخ بشیر اسدی را در رجال، از اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شمرده‌اند؛ هرچند ضبط و نقل این دعا، خود دلیل روشنی بر خردمندی و سخن‌شناسی وی است. خطبه حضرت زینب ۳ در کوفه را نیز او نقل کرده است؛ همان خطبه‌ای که بر بلیغ‌ترین خطیبان عالم طعن می‌زند؛ تا جایی که خود بشیر، از بیان حد بلاغت آن عاجز می‌ماند و بهتر از این بیان نمی‌یابد؛ بیانی که در نهایت، به کلام امیرمؤمنان (ع) (۱) تشبیه می‌شود. باری بشیر

۱- كَانَمَا تَنْطِقُ وَ تُفْرِغُ عَنْ لِسَانِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۷.

ص: ۶۱

راوی دعای عرفه، شیفته سخنان بلیغ آن حضرت بود. خزیم بن بشیر که خطبه حضرت زین‌العابدین (ع) از او روایت شده، همان بشر بن خزیم است که به تصحیف، نام او و پدرش مقدم و مؤخر شده است. مرحوم شیخ کفعمی دعای عرفه‌امام حسین (ع) را در بلدالامین نقل فرموده و به ظاهر شیخ هم از سید بن طاووس آن را نقل کرده و راوی آن بشر و بشیر فرزندان غالب اسدی هستند که اصل دعا را روایت کرده‌اند. در کتابخانه‌آستان قدس رضوی (ع) نسخه قدیمی و معتبر از اقبال موجود است با زیادت، ولی کفعمی آن را نقل نکرده، شاید برای آنکه در نسخه وی، این زیادت نبوده و من خود بعضی نسخ اقبال را دیدم که سقط بسیار داشت و چند فراز از آن حذف شده بود. از جهت معنا، ضعفی در آن مشاهده نمی‌شود و از جهت لفظ و بلاغت نیز اگر چند کلمه بدان جزالت (۱) نباشد که در اول دعاست، احتمال اختلاف نسخه و تصرف سهوی روات

بعید نمی‌نماید؛ چنان‌که در اول دعا تغییر و زیاده و نقصان و اختلاف میان نسخ اقبال و بلدالامین موجود است. علامه مجلسی (رحمه‌الله) در زادالمعاد، این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد فرموده است. چون طبق اصل معروف « دلالت‌تغنی عن السند »، گاهی مفهوم و محتوای حدیث به قدری با عظمت و مطابق اصول است که به سند نیازی نخواهد داشت.

۱- بزرگی، خوبی، فراوانی، استواری، فصاحت و روانی سخن. فرهنگ عمید.

ص: ۶۲

بدیهی است که نظیر مضامین این نیایش در عالی‌ترین درجه حکمت و عرفان اسلامی را هیچ‌کسی، جز انبیای عظام و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نمی‌تواند بیان کند. در زمینه حدیث‌شناسی و رجال، القای شبهه در مورد زیادتی که در بعضی نسخ آمده مسموع نیست؛ به‌ویژه اینکه امام خمینی (رحمه‌الله) پس از رد کلام محقق قونوی، می‌فرماید:

لَيْسَ عِنْدَ الْعُرَفَاءِ الْكَامِلِينَ شَيْءٌ بَلْ مَا تُؤْهِمُ أَنَّهُ مِنْ كَلِمَاتِ الْأَوْلِيَاءِ الشَّامِخِينَ عِنْدَهُمْ فَاسِدٌ. (۱)

اشکال محقق قونوی نزد عرفای کامل قابل اعتبار نیست و آنچه از دعای عرفه امام حسین (ع) را که گمان کرده از سخنان عرفای بزرگ [اسلام] است، قابل قبول نیست. با استناد به فرازی از زیادتی دعای عرفه و اسناد صریح آن به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با استدلال و نقل این عبارت از زیادتی دعا: « قال مولانا ابوعبدالله الحسین (ع) فِي دُعَاءِ عَرَفَةَ: الْغَيْرِكُ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، صَدَقَ وَكَلَى اللَّهُ رُوحِي لَهُ الْفِدَاءُ »؛ «اباعبدالله الحسین در دعای عرفه فرمود: آیا برای غیر تو

ظهوری است در حالی که آن چیز از تو نباشد» دیگر جای هیچ‌گونه ابهامی در انتساب صدور زیادتی دعا به آن حضرت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، مرحوم سید بن طاووس (رحمه‌الله) در اقبال، پس از ذکر «یا ربُّ یا ربُّ یا ربُّ» زیادتی را بیان فرمود.

۱- مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة، امام خمینی، ص ۶۶.

ص: ۶۳

۲. نیایش عرفه امام سجاد (ع)

الف) اهمیت صحیفه مبارکه سجّادیه

این کتاب شریف، معروف به «صحیفه کامله» و «زبور (۱) آل‌محمد (ص)» و «انجیل (۲) اهل بیت (علیهم‌السلام)» است که باید همه مسلمانها به وجود آن افتخار کنند؛ چنانکه شرح آن نیز به نام «ریاض السّالکین» تألیف سید اجل سید علیخان از آثار ممتاز و پرفایده و در نوع خود بینظیر است. زعیم امامیه، معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در مورد این مائده‌آسمانی می‌فرماید:

صحیفه کامله سجّادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات [های] عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. . . . این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه‌گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده میکند. این کتاب همچون قرآن الهی، ادقّ معارف

غیبی است که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل میشود و در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است. (۳)

- ۱- محتوای زبور حضرت داود ۷ نیايش و مناجات است.
- ۲- انجیل حضرت عیسی ۷ بیشتر در بردارنده مواعظ آن حضرت است.
- ۳- صحیفه نور، امام خمینی قدس سره، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

ص: ۶۴

بیاییم با هم فروتنانه، بر سر سفره جاودانه صحیفه سجّادیه بنشینیم و در برابر علی ثانی، زین العابدین (ع) زانو بزنیم و به سخنان گهربارش گوش جان بسپاریم که سخن یار شنیدن از زبان معشوق، بسی شیرینتر و دل‌چسبتر و بیگمان، مؤثرتر خواهد بود. صحیفه سجّادیه، پس از قرآن کریم و نهج البلاغه با عظمت‌ترین کتاب است که کلمات پر محتوایش، خود معرفّ ارزش خویش است. این چنین واژه‌ها و الفاظ والایی (که تالی تلو کتاب خداست)، جز از زبان معصوم تراوش نکند. در سال ۱۳۵۳ ه. ق روزی که نسخهای از این کتاب (صحیفه مبارکه سجّادیه) را مرجع فقید مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه‌الله) برای مفتی بزرگ اهل سنت در مصر «شیخ طنطاوی جوهری»، مؤلف و صاحب «تفسیر الجواهر» (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد، ایشان پس از تشکر از دریافت این هدیه‌گران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ، چنین اقرار کرد:

این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از موارث نبوت و اهل بیت (علیهم‌السلام) است، دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق میابم. ۱

برادران اهل سنت، آن هم قشر دانشمندان، از اینکه صحیفه را

(۱) . صحیفه سجادیه، ترجمه: سید صدرالدین بلاغی، ص ۳۷؛ ر. ک: مقدمه الصحیفه السّجّادیّه، مدیر کاظم شانه‌چی، ص ۵۰.
ص: ۶۵

ندیده و نشناخته بودند، آن را از بدبختی خود می‌دانستند. نکند ما با داشتن صحیفه و مهجور ماندن از این مائده الهی، بدبختتر از آنها باشیم. ویژگی صحیفه کامله سجّادیه که از دو لب نازنین امام سجاد (ع) صادر شده، این است که هر مراجعه‌کننده بی‌غرضی را به مراتبی از عرفان و عشق به خداوند تبارک و تعالی می‌رساند که دیگر تا پایان عمر حاضر نیست دست از آن بردارد و همچنان بدان عشق ورزیده و با آن انس می‌گیرد. از اینرو، بهترین کتابها در حوزه دعا به رشته تحریر درآمده‌اند و کامل‌ترین آنها را نیز بزرگان و دانشمندان شیعه تألیف و تدوین کرده‌اند و به پیش‌گاه سحرخیزان کامروا و موحدان دردمند و یکهتازان عرصه‌توحید و عبادت و نیایش عرضه داشته‌اند.

(ب) نیایش عرفه صحیفه مبارکه سجّادیه

در آموزه‌های دینی به خواندن چهل و هفتمین نیایش صحیفه مبارکه سجّادیه در روز عرفه، سفارش شده است. این نیایش، در بردارنده راز و نیازهای عالمانه، عارفانه و عاشقانه امام سجاد (ع) است؛ مهم‌ترین مفاهیم این نیایش عبارت‌اند از:

۱. حمد خداوند؛
۲. شناخت پروردگار؛
۳. شکر خداوند؛
۴. صلوات بر محمد و آل محمد؛

ص: ۶۶

۵. دعا برای امام عصر (عج) ؛
۶. اعتراف به نعمت‌های الهی و استغفار از گناهان؛

۷. درخواست‌های یک انسان متعالی از پیش‌گاه خداوند. (۱)
 همه فضیلت‌های احصا شده برای روز عرفه و سفارش‌های مکرر و جدی بر کوشش و فیض بردن هر چه بیشتر و بهتر از این روز مبارک، روز عرفه را به نماد نیایش مخلوق با خالق خود مبدل ساخته است و به همین دلیل، ما نیز این بخش را «عرفه، روز نیایش» نام نهادیم.

۱- تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، ص ۴۳۵.

ص: ۶۷

بخش دوم: عرفات سرزمین عشق

اشاره

ص: ۶۸

ص: ۶۹

کفتار اول: جایگاه سرزمین عرفات

۱. موقعیت جغرافیایی سرزمین عرفات

«عرفات»، از ریشه «عَرَفَ» گرفته شده و به گفته راغب: «بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است». (۱) این کلمه، اسمی مفرد است که در لفظ، به صورت جمع آمده، ولی جمع بسته نمی‌شود و شاید دلیل آن تفکیک‌ناپذیری اماکن باشد و با این استعمال، گویی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند. (۲)
 «فراء» می‌گوید: «عرفات اگرچه به صورت جمع آمده، لیکن معرفه است و دلیل معرفه

بودنش نیز آن است که الف و لام بر آن داخل نشود» (۳).
 «اخفش» نیز گفته است:

- ۱- تاج العروس، الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، ج ۲۴، ص ۱۳۳.
 ۲- همان، ص ۱۳۸.
 ۳- همان.

ص: ۷۰

عرفات بدان جهت منصرف است که تاء را به منزله یاء و واو در مُسلمین و مُسلمون و تنوین را به منزله نون قرار داده‌اند و آن گاه که به صورت اسم استعمال گردد، اعراب آن به همان حال باقی می‌ماند. (۱)
 «جوهری» نیز چنین می‌گوید: «این گفته مردم «نَزَلْنَا عَرَفَةَ» و عرفه به صورت مفرد آمده، این استعمال همچون «مُوَلَّد» است و عربی خالص و محض نمی‌باشد». (۲)
 عرفات سرزمین پهناور و همواری است که هجده کیلومتر مربع مساحت دارد (۳) و امروزه، در فاصله تقریبی ۲۱ کیلومتری شرق (جنوب شرقی) مکه واقع شده است. (۴) برخی فاصله را حدود دوازده میل نوشته‌اند. (۵) «ازرقی» و برخی دیگر، طول و عرض آن را دو میل در دو میل ذکر کرده‌اند. (۶) این مکان، دورترین موقف از مواقف و مشاعر حج است که در عین حال، وسیع‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود (۷)، و تنها موقعی است که خارج از محدوده حرم قرار دارد. (۸) سه طرف این

- ۱- تاج العروس، ج ۲۴، ص ۱۳۸.
 ۲- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۷؛ ر. ک: حج در اندیشه اسلامی، ص ۲۲۴.

- ۳- اشهر المساجد فی الاسلام، سیدعبدالمجید بکر، ج ۱، ص ۱۳۱.
- ۴- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلاذی، ج ۶، ص ۷۵.
- ۵- المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ص ۴۷۱؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۳۹۵۰ به نقل از: مقدمه لغت میرسید شریف جرجانی .
- ۶- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴؛ مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۴۴ و ۳۳۵.
- ۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵.
- ۸- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۸۲؛ معالم مکه التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۳.

ص: ۷۱

سرزمین را سلسله کوهی به نام «جبل عرفات» احاطه کرده است. (۱) این سلسله، قوسی را به وجود آورده که وتر آن را «وادی عرنه» تشکیل داده است. (۲) در شمال شرقی عرفات، کوهی بلند و قهوه‌ای‌رنگ به نام «جبل سعد» قرار گرفته که بر محل وقوف اشراف دارد. (۳) در سمت طلوع خورشید، کوه بلند دیگری واقع شده که از آن، به «جبل ملحہ» یاد می‌شود که این، از جهت بلندی و ارتفاع، کوتاه‌تر از کوه سعد است و رنگش به سرخ و سفید با رگه‌های سیاه متمایل است. کوه ملحہ، از ناحیه شرق تا جنوب عرفات - که راه طائف در آن قرار گرفته - امتداد دارد. (۴) در قسمت جنوب، سلسله کوه‌های سیاهی واقع شده که بارزترین آنها «ام الرضوم» است (۵) و در ناحیه مغرب و شمال غربی آن، وادی عرنه قرار دارد که خارج از محدوده وقوف است. (۶) عرفات که خود بین مکه و طائف قرار گرفته (۷)، از جنوب به «وادی نعمان» متصل است که تا وادی عرنه در جنوب غربی،

- ۱- مرآة الحرمين، ایوب صبری پاشا، ج ۱، ص ۳۳۵.
- ۲- همان؛ معالم مكة التاريخيه و الاثريه، ص ۱۸۲؛ اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.
- ۳- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵؛ معالم مكة التاريخيه و الاثريه، ص ۱۸۲.
- ۴- همان.
- ۵- همان.
- ۶- همان.
- ۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

ص: ۷۲

امتداد دارد. (۱)

در وادی نعمان، مزرعه‌های حاصلخیز و زیبایی است؛ تا جایی که شاعران نیز به مدیحه‌سرایی آن پرداخته‌اند. (۲) سعید بن جبیر به نقل از ابن عباس روایت کرده که در این مکان از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفته شد. (۳) در مورد حدود و مرز عرفات از ابوبصیر و معاویه بن عمار از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل شده است: «

وَحَدُّ عَرَفَاتٍ مِنَ الْمَازِمِينَ إِلَى أَقْصَى الْمَوْقِفِ» (۴)؛ «حد عرفات از مازمان تا آخرین جای وقوف است»

در روایتی دیگر از معاویه بن عمار به نقل از آن حضرت آمده است: «وَحَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرْنَةَ وَثَوِيَّةَ وَنَمْرَةَ إِلَى ذِي الْمَجَازِ، وَخَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ» (۵) حد عرفه از بطن عرنه و ثویه و نمره تا ذوالمجاز است و پشت کوه «جبل الرحمه» موقف است.

سماعه بن مهران نیز از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است: ... وَاتَّقِ الْأَرَكَ وَنَمْرَةَ وَهِيَ بَطْنُ عُرْنَةَ وَثَوِيَّةٌ وَذَا الْمَجَازِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ

- ۱- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.
- ۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۷۰.
- ۳- همان.
- ۴- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۰.
- ۵- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱.

ص: ۷۳

مِنْ عَرَفَةَ. (۱)

از وقوف در اراک و نمره که بطن عرنه است و ثویه و ذوالمجاز پرهیز که آنها از عرفات شمرده نمی‌شوند.

حجاج حرم امن الهی، از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه، در آنجا حضور می‌یابند که این امر در اصطلاح فقهی، «وقوف در عرفات» نامیده می‌شود. اهمیت این رکن حج تا آنجاست که در روایات آمده: «اساس حج، همان عرفه و عرفات است». (۲)

زائر آن‌گاه که عزم حج تمتع دارد، روز هشتم از مکه محرم می‌شود و آهنگ عرفات میکند که از ظهر روز عرفه تا غروب، قصد وقوف کند و سپس، عازم مشعر شده و بین‌الطلوعین را در «مزدلفه» وقوف کند و آن‌گاه برای اعمال روز دهم، یازدهم و دوازدهم به سوی مِنَا رهسپار شود.

عرفات دشت پهناوری است که روز نهم ذی‌الحجه، تمامی حاجیان را در خود جای می‌دهد. این سرزمین مقدس در اعماق تاریخ خاطره‌ها دارد. حضرت آدم (ع) در اینجا به

خطا و ترک اولی اعتراف میکند و خدا او را مشمول آمرزش خود قرار میدهد و غروب آن روز، مشمول رحمت الهی میشود.

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵؛ ر. ک: اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۹۴؛ اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۷؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴؛ کتاب المناسک لاماکن طرق الحج، ص ۵۱۰؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۳.
 ۲- عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۹۳.

ص: ۷۴

از امام کاظم (ع) سؤال شد: «آیا وقوف بر جبل‌الرحمه در نظر شما محبوب‌تر است یا وقوف در دامنه و زمین‌های پایین کوه؟» آن حضرت فرمود: «وقوف در دامنه». (۱)
 امام صادق (ع) فرمود:
 عَرَفَاتُ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ الْمَوْقِفِ سَفْحُ الْجَبَلِ. (۲)
 همه سرزمین عرفات، محل وقوف است. لیکن بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.

ایشان همچنین در روایت دیگری فرمود:
 عَرَفَاتُ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَمَا قَرُبَ مِنْ الْجَبَلِ فَهُوَ أَفْضَلُ. (۳)
 همه سرزمین عرفات، محل وقوف است، هرچه به جبل‌الرحمه نزدیک‌تر باشد، بهتر است. راز رفتن به بالای کوه رحمت در این است که انسان بداند خداوند در حق هر زن و مرد مسلمانی مهربان بوده و متولی هر زن و مرد مسلمان است. گرچه خدای سبحان، در مورد همگان ولایت تکوینی دارد و او ولی همه است (۴) و گرچه رحمت عام خدا فراگیر و شامل همه موجودات می‌شود (۵)؛ ولی رحمت خاص او، ویژه پرهیزگاران است؛

و همبستگی با یکدیگر نایل آیند. آدم و حواء در این منطقه به هدف خود رسیدند و همدیگر را

۱- مفردات راغب، ص ۵۶۰.

ص: ۷۶

شناختند. بدین ترتیب، نژاد و نسل آنها نیز باید با وقوف در این منطقه، به معرفت حال یکدیگر دست یابند و تشت و بیگانگی و پراکندگی خود را - با توجه به اینکه هر کدام از سرزمین‌های دور بدین جا می‌آیند - با آمدن و وقوف در این جایگاه، به همبستگی و پیوستگی و خویشاوندی دینی و انسانی تبدیل کنند و از این رهگذر، غربت خود را به قربت و قرابت و قرابت باز آورند.

همچنین دوست و دشمن را نیز با درنگ‌های آمیخته به تفکر شناسایی کنند. هیچ کسی انسان را بیش از خدا دوست نمی‌دارد و هیچ دوستی بهتر از خدا در عالم وجود ندارد. بنابراین، باید در این جایگاه، رهیده از انگیزه‌های دنیوی - که جایگاهی درخور تفکر و تدبر است - برای برآورده شدن نیاز خویش در پی غیر خدا نباشد، بلکه تنها خدای مهربان را بجوید. امام سجاد (ع) در عرفات مرد تهی‌دستی را دید که از مردم گدایی می‌کرد. به او فرمود:

وای بر تو! در چنین روز، غیر خدا را سراغ می‌گیری. در چنین روزی این امید وجود دارد انسان‌هایی که هنوز چشم به دنیا نگشوده‌اند و هنوز به دنیا نیامده‌اند، از لطف و مرحمت الهی برخوردار باشند. (۱)

از امام صادق (ع) سؤال شد: «عرفات را چرا عرفات می‌نامند؟» حضرت فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۹۹.

ص: ۷۷

إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَرَجَ بِإِبْرَاهِيمَ (ع) يَوْمَ عَرَفَةَ، فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ، قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ: يَا إِبْرَاهِيمُ اعْتَرِفْ بِذَنْبِكَ وَأَعْرِفْ مَنَاسِكَكَ، فَسَمَّيْتَ عَرَفَاتَ، لِقَوْلِ جِبْرَائِيلَ: اعْتَرِفْ فَاَعْتَرَفَ. (۱)

جبرئیل، حضرت ابراهیم (ع) را روز عرفه به این مکان آورد. چون ظهر فرا رسید، جبرئیل گفت: «ای ابراهیم! به گناه خود اعتراف کن و مناسکت را بیاموز». چون جبرئیل گفت اعتراف کن، پس اعتراف کرد. لذا این سرزمین عرفات نامیده شد. بنابراین، حضرت ابراهیم (ع) در این سرزمین خواب دید که اسماعیل (ع) را در راه خدا قربانی می‌کند و به وظیفه خود عارف شد. مفسران نوشته‌اند:

علت نام عرفات آن است که ابراهیم (ع) شبی خواب دید که باید فرزندش را قربانی کند. چون روز شد در فکر فرو رفت. از این رو، آن روز را «ترویه» نامیدند و چون شب بعد همان خواب را دید و دانست که خواب حق است، نه شیطانی؛ آن شب را «عرفه» نامید.

بعضی هم نوشته‌اند: چون اسماعیل در آن روز آب پیدا کرد و سیراب شد، آن روز را ترویه گفتند و عرفات به این جهت گفتند که جبرئیل، شب احکام حج را آورد و پیغمبر فرمود: «قد عرفت» (۲).

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- داستان‌های عرفانی، محمدتقی فعالی، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تفسیر کشف الاسرار، ج ۱،

ص: ۷۸

رفتن به سوی عرفات، از زمان حضرت آدم (ع) سنت شد. حضرت آدم (ع) با همراهی جبرئیل اعمال حج و از جمله وقوف در عرفات را به عنوان سنت حج بنا گذارد. امام صادق (ع) در این باره فرمودند:

سُمِّيتِ التَّرْوِيَةَ لِأَنَّ جَبْرَائِيلَ (ع) أَتَى إِبْرَاهِيمَ (ع) يَوْمَ التَّرْوِيَةِ، فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ ارْتَوِ مِنَ الْمَاءِ لَكَ وَ لِأَهْلِكَ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ مَكَّةَ وَ عَرَفَاتِ مَاءٍ. (۱)

روز تروییه را تروییه نامیدند، چون جبرئیل در چنین روزی، نزد حضرت ابراهیم (ع) آمد و گفت: «ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار» و میان مکه و عرفات آبی نبود. حضرت ابراهیم (ع) پیش از روز نهم ذی‌حجه در خواب دید که اسماعیل (ع) را ذبح می‌کند. هنگامی که بیدار شد، به حالت تروی و فکر فرو رفت که آیا این رؤیا الهی و به منزله دستور آسمانی است، یا نه. از این رو، روز هشتم را «یوم‌التروییه» می‌نامند. ولی ممکن است وجه تسمیه آن به «یوم‌التروییه» این باشد که در آن روز، برای سقایت حج‌گزاران، آب‌گیری می‌کردند تا زائران را در عرفات و مشعر و منا آب دهند؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! ارْتَوِ مِنَ الْمَاءِ لَكَ وَ لِأَهْلِكَ. وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ مَكَّةَ وَ عَرَفَاتِ يَوْمَئِذٍ مَاءٌ فَسُمِّيتِ التَّرْوِيَةُ لِذَلِكَ. (۲)

۱- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۲، ص ۶۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

ص: ۷۹

روز تروییه و هنگام زوال خورشید، جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار، و در آن روز بین مکه و عرفات آبی نبود.

این رؤیا، در شب نهم ذی‌حجه نیز برای حضرت ابراهیم (ع) تکرار شد. از این رو، آن حضرت یقین پیدا کرد که باید فرزند خود اسماعیل را ذبح کند. این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد و بدین سبب، آن روز را «عرفه» و آن سرزمین را «عرفات» نامیدند.^(۱)

ترویبه به آب اشاره دارد و سرّ آن «آب معرفت» است؛ معرفتی که در عرفات به ظهور می‌رسد. آب معرفت و زلال حیات، به جان تشنه‌ای می‌رسد که از هر کجا بریده باشد و از همه جا ناامید رو به خدا آورد. در حالت انقطاع است که خداوند مهربان به تن خسته و روح رنجور نظر می‌فرماید و شعله‌های آتشین محبت را در وجود او زنده می‌کند و آب زلال معرفت را به کام او می‌ریزد. عارفی که آب معرفت نوشد، برق شهود در نگاهش می‌درخشد، از رحمت و هدایت الهی بهره‌مند شده، از منبع فیض، رزق می‌خورد و مستعد دریافت معرفت می‌شود و خود را برای ورود به صحنه عرفات مهیا می‌کند. پیامبر اکرم (ص)، روز عرفه را در «نمره»^(۲) فرود آمد. در کنار این سنگ

۱- الدرّالمنثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۷، ص ۱۱۱.
 ۲- نام کوهی است در عرفات که در دامنه آن مسجدی به نام «مسجد نمره» بنا شده است. به روایتی، حضرت ابراهیم ۷ در این مکان وقوف کرده و در آنجا به نماز و عبادت پرداخته است.

ص: ۸۰

بزرگ، پارچه‌ای بستند تا پیامبر (ص) در سایه آن بنشیند. سال‌های بعد نیز نبی اکرم (ص) در آنجا وقوف می‌کرد و نماز ظهر و عصر می‌گزارد. صحرای مقدس عرفات، در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر (ص) بود. در مورد علت نام‌گذاری صحرای عرفات، چند نکته وجود دارد:

الف) وقتی جبرئیل مراسم حج را به آدم (ع) یا به ابراهیم خلیل (ع) آموخت، در پایان به او
 عَرَفْتُ؟ « ؛ «آیا شناختی؟» (۱)؛
 ب) آدم و حوّا، در این منطقه یکدیگر را شناختند: «
 تَعَارَفَا « و باز یافتند؛
 ج) عرفات از آن رو به این نام شناخته شد که مردم در این سرزمین به گناهان خود
 اعتراف می‌کنند؛
 د) برخی هم عرفه را به معنای کوه گرفته‌اند.
 نویسنده کتاب «مسالك الأفهام» نوشته است:
 گرچه در وجه تسمیه عرفات (این سرزمین وسیع) جنبه‌های گوناگونی ذکر شده (۲)، ولی
 بهتر آن است که بگوییم این سرزمین وسیع با جذبه روحانی و معنوی عجیبی که دارد،
 فضای بسیار مناسبی برای کسب معرفت پروردگار و شناسایی ذات پاک او است و مشعر
 را هم از آن جهت «مشعر» گویند که «مَعْلَم و نشانه‌ای است از این مراسم پرشکوه حج»
 (۳).

-
- ۱- ر. ک: علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶.
 ۲- ر. ک: مسالك الافهام، زین الدین بن علی شهید ثانی، ج ۲، ص ۲۰۴.
 ۳- مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۰۹.

ص: ۸۱

بنابراین، این سرزمین را به دو وجه عرفات نامیده‌اند: یا به علت «اعتراف» به گناه؛ هرچند
 گناه ابراهیم (ع) به معنای خاصی است که با عصمت آن بزرگوار سازگاری دارد یا به
 علت «معرفت» به عبادت بوده است. البته اعتراف هم به معرفت باز می‌گردد؛ زیرا اعتراف،

به معنای معرفت به معاصی است. پس، نام عرفات به لطیفه‌ای عرفانی اشاره دارد که همان معرفت است و عرفات هم چیزی جز معرفت نیست. در وقوف عرفات، انسان به معارف الهی واقف می‌شود و درمی‌یابد که خدا، همه نیازهای او را می‌داند و قادر به رفع آنهاست و می‌داند که خدا به درون و بیرون او ناظر و آگاه است. آنجا با خدای خود عهد می‌کند که من کسی را به چیزی امر و نهی نمی‌کنم، جز آنکه خود در آن پیش قدم باشم. اگر انسانی به اسرار حج و به باطن اعمال اماکن مقدسه آن توجهی نداشته باشد، بی‌شک، از سازندگی‌های حج محروم خواهد شد و شاید کلام امام سجاد (ع) بر او صدق کند که فرمود: «چه بسیارند ضجه زنان و چه اندک‌اند حج‌گزاران!». (۱) ظاهر حج، انسان را در میان مردم به‌عنوان حاجی می‌شناساند، درحالی که سیرت حج، سیرت انسان را می‌سازد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹.

ص: ۸۲

ص: ۸۳

گفتار دوم: فضیلت‌های عرفات در آئینه کتاب و سنت

۱. فضیلت سرزمین عرفات در آئینه قرآن کریم

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)

گاهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی صحیح اسلامی است) و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید

همان گونه که شما را هدایت نمود؛ و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. این آیه کریمه، به سه نکته اساسی اشاره دارد:

ص: ۸۴

(الف) اباحه تجارت هنگام حج؛
 (ب) حرکت جمعی از عرفات به مشعرالحرام؛
 (ج) وجوب تسبیح و تحلیل احدیت در مشعرالحرام.
 ابن عربی می نویسد: (۱)

در لغت «افاضه»، حرکت سریع است. . . خداوند در قرآن، وقت افاضه و حرکت دسته جمعی از عرفات را مشخص نکرده، لیکن پیامبر (ص) آن را با عمل خود بیان کرده است. آن حضرت در عرفات وقوف کرد تا زمانی که خورشید غروب کرد و قرص خورشید ناپدید گشت. (۲)

جماعت قریش به دلیل شدت کبر و غرور، در عرفات و مشعر از سایر گروه‌ها جدا می شدند و در موقع کوچ کردن، مقدم یا مؤخر کوچ می کردند و شأن خود نمی دانستند که با سایر حاجیان مخلوط شوند. خداوند تعالی ضمن آیه ۱۹۹ سوره مبارکه بقره، ملت اسلام را به اتفاق و اجماع، امر می فرماید تا مردم به سبب اجتماع، مقصود صاحب شریعت را درک کنند؛ چه آنکه پیشرفت و رشد جامعه انسانی میسر نیست، مگر با همبستگی. تمامی حاجیان با پوششی یکسان و هم رنگ و یک نواخت، همه بیابان نشین و به دور از سر و صدای شهر و از دنیا و زرق و برق آن گریخته و به زیر آن آسمان نیلی رحمت و اسعه الهی، آسمانی آزاد و پاک

۱- احکام القرآن، محمد بن عبدالله اندلسی ابن عربی، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، ج ۱، ص ۲۲۶.

ص: ۸۵

از آلودگی گناه (۱)؛ همان‌جا که فرشته وحی بال و پر می‌زند و از لابه‌لای نسیمش، صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل (ع) و نوای حیات‌بخش و گوش‌نواز صدای پیامبر اعظم (ص) طنین‌انداز می‌شود، پناه آورده‌اند. در این سرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای است که به جهان ماورای طبیعت گشوده شده، انسان نه تنها از نشئه عرفان پروردگار سرمست و لحظه‌ای با زمزمه تسبیح عمومی خلقت هماهنگ می‌شود، بلکه در درون وجود خود، خودش را نیز می‌یابد و به حال خویشتن نیز عارف می‌شود و درمی‌یابد که او آن کسی نیست که شب و روز در پی معاش، تلاشی حریصانه کرده است. صحرا را زیر پا می‌گذارد و هرچه می‌یابد، عطشش فرو نمی‌نشیند. در نهایت، پی می‌برد که گوهر دیگری در درون جان نهفته است که او در حقیقت، همان است. آری، این چنین است که این صحرا، با نام با مسمای عرفات شناخته می‌شود. در آیه ۱۹۹ سوره مبارکه بقره، پروردگار حکیم، روی یکی از امتیازهایی که قریش برای خود قائل بود، خط بطلان کشید. بدین ترتیب که

۱- هرگاه یکی از بندگان گنه‌کار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد، تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند، دگرباره اعراض کند. بازش به تضرع و زاری بخواند، حق سبحانه گوید: «یا مَلَائِکَتِی قَدْ اسْتَحِیْتُ مِنْ عَبْدِی وَ لَیْسَ لَهُ رَبٌّ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ»؛ «دعوتش را اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم». کرم بین و لطف خداوندگار گنه‌بنده کرده است و او شرمسار گلستان سعدی، صص ۳ و ۴.

ص: ۸۶

قریش، خود را «حُمس» (۱) (بر وزن خمس) می‌خواندند و خویش را از فرزندان حضرت

ابراهیم (ع) و سرپرستان خانه کعبه می شمردند و برای هیچ یک از اعراب، مقامی را که برای خویشان در نظر می گرفتند، قائل نبودند. آنها می گفتند ما نباید احترام آنچه را از حریم مکه بیرون است با آنچه در حریم مکه است، مساوی بدانیم که اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد! از این رو، وقوف به عرفات را که از محیط حرم بیرون است، ترک می کردند، با اینکه می دانستند از جمله وظایف حج و آیین حضرت ابراهیم (ع) است. (۲) ولی خداوند در آیه ۱۹۹ سوره بقره به همه مسلمانان دستور می دهد همه در یک جا (عرفات) وقوف کنند و از آنجا، همگی به سوی مشعر بیایند و از آنجا هم به سوی

منا

کوچ

کنند. در نتیجه، این آیه، با اشاره به افاضه، از مشعرالحرام به سرزمین منا حرکت می کند و به همین دلیل، کلمه ثم که دلیل بر ترتیب است، پس از مسئله حرکت از سرزمین عرفات به مشعر ذکر شده است. در واقع، قرآن با بیانی شیوا، به همه مردم بدون استثنا دستور می دهد که نخست به عرفات و از آنجا به مشعرالحرام (۳) بروند و سپس، از آنجا به سرزمین منا کوچ کنند.

-
- ۱- حمس: افرادی که در دین محکم اند.
 - ۲- سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.
 - ۳- مشعرالحرام: نام کوهی است که حاجیان باید شب عید قربان تا طلوع خورشید روی آن و اطراف آن بمانند و خداوند تعالی را ذکر کرده و مقصود و منظور صاحب شریعت را تحصیل کنند.

ص: ۸۷

۲. فضیلت سرزمین عرفات در آینه روایتها

الف) اسرار وقوف عرفات

امام سجاد (ع) در حدیث «شبلی» می فرماید:

هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بَعْرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَالْعُلُومِ وَعَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صَحِيفَتِكَ وَأَطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّيرَتِكَ وَقَلْبِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: نَوَيْتَ بَطْلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنْ اللَّهُ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنْكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِمَرَ وَلَا تَرْجُرُ حَتَّى تَنْزَجِرَ قَالَ: لَا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَمِ وَالنَّمِرَاتِ نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفِظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ قَالَ: لَا، قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بَعْرَفَةَ وَلَا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَلَا عَرَفْتَ نَمْرَةَ وَلَا دَعَوْتَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ (۱)

پرسید: آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت‌ها و دانش‌ها شناختی و به اینکه خداوند، نامه عمل تو را دریافت می‌کند و به آنچه در درون قلبت می‌گذرد آگاه است، پی بردی؟ گفت: نه! پرسید: آیا با صعود بر جبل‌الرحمه نیت کردی که خداوند هر زن و مرد باایمان را می‌آمرزد و هر زن و مرد مسلمان را سرپرستی می‌کند؟ گفت: نه! پرسید: آیا نزد وادی «نمره» نیت کردی که فرمان‌دهی تا آنکه خود فرمان‌بیری و نهی نکنی تا آنکه خود پرهیز کنی؟ گفت: نه. پرسید: آن‌گاه که کنار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آنها گواه طاعت‌های تو باشند و به دستور خداوند، آسمان‌ها همراه نگهبانان به نگهبانی تو پردازند؟ گفت: نه! فرمود: پس نه در عرفات وقوف کرده‌ای، نه از جبل‌الرحمه بالا رفته‌ای و نه نمره را شناخته‌ای و نه دعا

کرده‌ای و نه کنار نمرات ایستاده‌ای. وقوف در عرفات، اسرار عرفانی بسیاری دارد که برخی از آنها در حدیث شبلی آمده است. در ذیل به مهم‌ترین این اسرار اشاره می‌کنیم: وقوف در عرفات، به این معناست که انسان به معارف الهی واقف، عارف و آگاه شود و بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف است و برای رفع همه نیازهای او تواناست. خود را به خدا بسپارد و احساس کند که بنده او و محتاج به اوست تا تنها او را اطاعت کند. اگر بنده‌ای مطیع و پیرو خدا شد، از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است: «
 و طاعتهُ غَنَى» (۱).

پس کسی که در عرفات می‌ایستد، باید از معرفت طرفی ببندد. باید عارف بشود که ذات اقدس الهی به صحیفه قلب او و به درون او و رمز و راز او آگاه است. زائر باید در سرزمین عرفات این آیه شریفه را درک کند:
 وَ إِن تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى (طه: ۷)
 اگر آشکار سخن بگویی [یا پنهان]، او اسرار پنهانی و پنهان‌تر از آن را نیز می‌داند.

۱- دعای کمیل.

ص: ۸۹

پروردگار شما، از هر کاری که انجام می‌دهید، از هر چرخشی که می‌زنید و از هر سری که درون خود دارید، آگاه است. سخن آشکار و راز پنهانی شما را می‌داند و آنچه پوشیده است و حتی برای خود شما نیز روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای قلب و روح شما عبور می‌کند را هم می‌داند. به هر ترتیب، انسان باید عارف شود بر اینکه خداوند متعال بر صحیفه قلب او احاطه کامل دارد. اگر انسان بداند که قلب او در محضر و در مشهد حق است، همان‌طور که با اعضا

و جوارح خود دست به گناه نمی‌زند، مرتکب گناه خیالی و فکری هم نخواهد شد و آرزوهای باطل به خود راه نخواهد داد. همان‌گونه که کلام باطلی بر لب ندارد و به کسی بد نمی‌گوید، در دل، بد کسی را نیز نمی‌طلبد و همان‌طور که که بدن خود را تطهیر می‌کند، قلبش را نیز از اندیشه و خاطره‌های آلوده پاک می‌سازد. کسی که در سرزمین عرفات به سر می‌برد، شایسته است از کوه جبل‌الرحمه بالا رفته و دعای خاص آن را بخواند. سالار شهیدان حسین بن علی (ع) در قسمت چپ آن کوه، رو به کعبه ایستاد و آن دعای معروف را خواند. راز بالا رفتن از جبل‌الرحمه، این است که بداند خداوند متعال با هر زن و مرد مؤمنی، مهربان و ولی هر مرد و زن مسلمانی است؛ گرچه ولایت خداوند متعال تکوینی است و او ولی کل است: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ؛ «در آنجا ثابت شد که ولایت [و قدرت] از آن

ص: ۹۰

خداوند برحق است» (کشف: ۴۴)

و اگرچه رحمت خداوند متعال فراگیر است، اما آن ولایت و رحمت عام است و در کنار این ولایت و رحمت عامه، رحمت ویژه‌ای نیز دارد که در حق همه نیست: وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ (اعراف: ۱۵۶)

در بخش اول آیه، مشخص فرمود که رحمتش فراگیر است و در بخش دوم آن، فرمود: بر خود لازم کرده‌ام که رحمت خاص را شامل متقین سازم؛ زیرا کتب علی نفسه الرحمة؛ «خداوند متعال رحمت را بر خود لازم کرده است» . (انعام: ۱۲)

از مجموع دو آیه، درمی‌یابیم که خداوند متعال بر خود لازم کرده که رحمت خاص خود را به پرهیزگاران بدهد.

رفتن به بالای جبل‌الرحمه، انسان را به این حقیقت آشنا و عارف می‌کند (۱) که خداوند متعال، رحمت و ولایت خاصی بر مرد و زن با ایمان و مسلمان دارد. طبیعی است وقتی به این حقیقت مزین شد، نسبت به زن و مرد مؤمن رحمت ویژه‌ای دارد و به آنها ولایت

ویژه‌ای پیدا می‌کند و در رفتار، گفتار و نوشتار خود، این سر را پیاده می‌سازد. در سرزمین عرفات، منطقه‌ای به نام «نمره» واقع شده است. به فرموده امام سجاد (ع)، وقتی به این منطقه از عرفات رسیدید، راز و رمزش این

۱- جبل الرّحمه، تقریباً در انتهای سرزمین عرفات واقع شده و به طول تقریبی ۳۰۰ متر مستقل از کوه‌های اطراف است.

ص: ۹۱

است که بگویید: «خدایا! به چیزی امر نمی‌کنم؛ مگر آنکه قبلاً خودم به آن عمل کنم و مؤتمر باشم و از چیزی نهی نمی‌کنم، مگر آنکه قبلاً خودم از آن منزجر باشم». (۱)

امر به معروف و نهی از منکر بر هر انسان مسلمانی واجب است. امر به معروف و نهی از منکر، دارای یک حکم فقهی و یک سرّ است. حکم فقهی آن، این است که عالم به حکم شرعی باشد؛ اگر دید کسی با علم و آگاهی و به عمد حکمی را رعایت نمی‌کند، باید او را راهنمایی کند. بدیهی است امر به معروف و نهی از منکر، غیر از تعلیم، موعظه و ارشاد است. (۲) امر به معروف و نهی از منکر، جنبه ولایت و آمریت دارد؛ گرچه ممکن است در بعضی از موارد، مصداق تعلیم، ارشاد یا موعظه هم قرار گیرد، ولی حقیقت امر به معروف و نهی از منکر، از این موارد جداست.

در امر به معروف و نهی از منکر، لازم نیست خود انسان درونی پاک داشته یا متّصف به عدالت باشد. عدالت شرط امر به معروف و نهی از

- ۱- کافی، ج ۴، ص ۲۴۵ .
- ۲- فرق بین «امر به معروف و نهی از منکر» و «موعظه و ارشاد» آن است که حوزه مأموریت امر به معروف و نهی از منکر، «عمل» و حوزه مأموریت موعظه و ارشاد، «انجام‌دهنده عمل» است. امر و نهی می‌گویند: گناه انجام نشود. اما در موعظه اهتمام بر این است که انجام‌دهنده گناه و تارک فریضه، هدایت شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، متوجه «قبح فعلی» است و ارشاد و موعظه متوجه «قبح فاعلی» است .

ص: ۹۲

منکر نیست، بلکه علم، آگاهی و احتمال تأثیر از شرایط آن است. اما با وجود این، در سرزمین عرفات راز و رمز امر به معروف و نهی از منکر، به عدالت برمی‌گردد؛ بدین معنا که انسانی که آمر است، باید پیش از این مؤتمر باشد. انسانی که ناهی و زاجر است، پیش از این باید منتهی و منزجر باشد و بگوید: خدایا! آن چنان توفیقی بر من عنایت کن که هر چه را به دیگران، به عنوان «امر به معروف» امر می‌کنم، ابتدا خود بدان عمل کرده باشم و از آنچه دیگران را نهی می‌کنم، پیش از آن، خود از آن فعل، منزجر شده باشم. آری! در اسرار حج، عدالت شرط امر به معروف و نهی از منکر است. «نمرات» منطقه وسیعی در عرفات است که با علامت‌های خاصی مشخص شده است. حضرت سجّاد (ع) فرمود:

روز نهم که وارد سرزمین عرفات شدی و به این منطقه وسیع رسیدی، سرّش آن است که آگاه باشی این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است و بداند که چه کسانی بر روی آن گام می‌نهند و با چه انگیزه‌ای آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند! گذشته از آنکه خدا و فرشتگان هم شاهدند. خداوند تعالی این منطقه و این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد؛ به طوری که خوب

می‌داند شما چه می‌کنید. زمین‌هایی که زائران گام بر آن می‌نهند، خود به خوبی روشن می‌سازد که زائر، حاجی و معتمر، به چه نیت آمده و با چه نیتی باز می‌گردند.
ص: ۹۳

صاحب «مستدرک» در حدیثی طولانی به نقل از «تفسیر عسکری» از امام سجاد (ع) نقل می‌کند (۱) که آن بزرگوار در عرفات، وقوف یافته بود. امام (ع) خطاب به «زهری» فرمود: «به نظر شما، امسال تعداد زائران چقدر است؟» زهری عرض کرد: «چهارصد یا پانصد هزار نفر که همه قصد خدا را کرده‌اند و او را با ناله و ضجه می‌خوانند». امام (ع) فرمود: »

مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الحَجِيجَ ؛ «چه بسیارند ضجه‌زنان و چه کم‌اند حجّاج». سپس فرمود: «ای زهری! صورتت را نزدیک بیاور». زهری صورت خود را نزدیک کرد. امام (ع) با دست مبارکش، رخسار او را مسح نمود، سپس گفت: «ببین!». زهری گفت: «تمام خلق را دیدم که میمون بودند و تنها در هر ده هزار نفر یک انسان دیدم». باز امام فرمود: «زهری صورتت را نزدیک کن». او چنین کرد و امام بار دیگر صورت زهری را مسح نمود و به او گفت: «نگاه کن». زهری نگاه کرد و تمام آنها را خوک دید. بار سوم چنین شد و زهری تمام خلق را گرگ دید و تنها تعداد اندکی انسان مشاهده کرد. آن‌گاه رو به امام کرد و گفت: «آیات تو مرا وحشت زده کرد و افعال عجیب تو مرا متحیر». سپس امام صورت او را مسح نمود و زهری به حالت عادی بازگشت. سپس امام سجاد (ع) گوشه‌هایی از اسرار ملکوتی حج را بیان فرمود. کسانی که همچون ستاره‌ای میان تاریکی می‌درخشیدند، حاجیان،

ص: ۹۴

مؤمنان و مخلصان واقعی اند که به پیامبر (ص) و اولادش با تمام وجود عشق می‌ورزند و آنهایی که به صورت باطنی، حیوانی بیش نیستند، دشمن سرسخت رسول خدا (ص) و اولاد اویند. حاجیان به اندازه نورشان که به اندازه ولایت‌پذیری آنهاست، در عرصات قیامت نمایان می‌شوند.

نور برخی از آنها به اندازه هزار سال است و برخی دیگر به قدر صد هزار سال و هر صاحب نوری به اندازه نورانیتش توان شفاعت دارد. در کعبه دل عید تجلی جمالت ای قوم به حج رفته، کجائید؟ کجائید؟ سرگشته در آن‌بادیه تاچند بپوید معشوق همین‌جاست، بیاید بیاید امیرمؤمنان علی (ع)، درباره راز وقوف در عرفات فرمود: «عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه، آن‌قدر تضرع کند تا لایق ورود حرم شود». (۱)

حج گزار با وقوف در عرفات، باید به معارف واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش باخبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. به یقین، کسی که اینجا، از خدا غیر خدا را طلب کند، زیان کرده است.

ب) عرفات، تجلی‌گاه بندگی

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَطَوَّلَ عَلَى أَهْلِ عَرَفَاتٍ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَةُ

۱- کافی، ج ۴، صص ۴۶ و ۲۲۴.

ص: ۹۵

أَنْظُرُوا إِلَى عِبَادِي شُعْتًا غُبْرًا أَقْبَلُوا يَضْرِبُونَ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَجَبْتُ

دُعَائِهِمْ وَ شَفَعَتْ رَغْبَتُهُمْ وَ وَهَبَتْ مُسِيئَهُمْ لِمُحْسِنِهِمْ وَ أَعْطَيْتُ مُحْسِنَهُمْ جَمِيعَ مَا سَأَلْنِي،
غَيْرَ التَّبَعَاتِ الَّتِي بَيْنَهُمْ. (۱)

خداوند بر اهل عرفات نعمت داده، به وسیله آنها بر فرشتگان مباحث کرده، می فرماید: ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید، ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری راه سپرده و آمده‌اند. شما را گواه می گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته‌شان را بر آورم. خطاکارشان را به خاطر نیکوکارشان بخشیدم و به نیکوکارانشان هر چه را که از من خواستند، عطا کردم، جز گناهایی را که میان خودشان دارند (حق الناس). حاجی در صحرای عرفات، ازدحام خلق را می بیند که همه یک رنگ و یک لباس، به راز و نیاز با خدا مشغول‌اند. حاجیان صدا به نجوا بلند کرده‌اند، در عین حال که هر کدام زبان، رنگ و نژادی خاص دارند. در سرزمین عرفات نژادها، امت‌ها و مردمان متفاوتی جمع شده‌اند. اینها برای چه به این سرزمین آمده‌اند و به چه هدفی دست نیاز به سوی آسمان بلند کرده‌اند؟ این سؤال‌ها تنها یک پاسخ دارند و آن اینکه همه برای توبه و بخشش آمده‌اند؛ آمده‌اند تا خدای سبحان، حاجت و تضرع آنها را ببیند و به آنها نظر عنایت کرده، از آنها درگذرد. پس باید قلب را قرین ابتهال و تضرع و سرشار از امید به رحمت

۱- مسند ابی یعلی، ابن بطی احمد بن علی الموصلی، ج ۴، ص ۱۴۷؛ ربیع الابرار، ج ۲، ص ۸۴۰

ص: ۹۶

الهی کرد. اینجا مکان شریفی است؛ اینجا سرزمین رحمت و مغفرت است. خداوند در عرفات، به فاجر هم پاسخ می‌دهد، سخن او را می‌شنود و اگر تقاضای دنیوی داشته باشد، آن را تأمین می‌کند. اما اگر در دامنه کوه‌های عرفات، حضور یابند و با

اخلاص با خدا سخن گویند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت اجابت کرده، گناهانشان را می‌آمرزد. وقوف در عرفات، منافی بیش از این دارد. کسی که در سرزمین نور و معرفت وقوف یابد، گوش و چشم و زبانش هم در امان خواهد ماند. رسول خدا (ص) در بیانی نورانی فرمودند:

وَمَنْ وَافَى بَعْرَفَةَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلَاثِ أَذْنُهُ لَا تَسْمَعُ إِلَّا إِلَىٰ حَقٍّ وَعَيْنَاهُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَّا إِلَىٰ حَلَالٍ وَ لِسَانُهُ أَنْ يَنْطِقَ إِلَّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ (۱)

کسی که به عرفات بیاید، از سه چیز در امان است: گوشش فقط حق را می‌شنود؛ چشمش فقط به حلال نگاه می‌کند؛ زبانش فقط به حق گویا می‌شود و تمامی گناهانش بخشیده می‌شود. حتی اگر به اندازه کف‌های اقیانوس باشد. امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید: آن‌گاه که در حجة الوداع، رسول خدا (ص) حج گزارد، در عرفات وقوف کرد. سپس رو به مردم کرده، سه مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۴.

ص: ۹۷

خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند، به آنان عطا شود و فردای قیامت، در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند. (۱)

عرفات، عصر روز نهم است. ولی چرا هنگام وقوف در عرفات، عصر است؟ این سؤال را فردی یهودی از رسول خدا (ص) پرسید. حضرت (ص) نیز فرمود:

إِنَّ الْعَصْرَ - رَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي عَصَىٰ آدَمُ فِيهَا رَبَّهُ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ أُمَّتِي الْوُقُوفَ وَ التَّضَرُّعَ وَ الدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَ تَكْفَلُ لَهُمُ بِالْجَنَّةِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَنْصَرِفُ بِهَا

النَّاسُ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَلَقَّى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (۲)

[فلسفه وقوف در عرفات هنگام عصر، این است که] عصر ساعتی است که آدم پروردگار خویش را عصیان کرد و خداوند بر امت من وقوف و گریه و دعا را در بهترین جایگاه واجب گردانید و اعطای بهشت آنها را به عهده گرفت و آن ساعتی که مردم از عرفات کوچ می‌کنند، همان ساعتی است که آدم، کلماتی را از خداوند دریافت و توبه کرد. همانا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است. در نقل دیگری آمده است: «آنان که در عرفات وقوف می‌کنند، در حقیقت، پیش روی خدا (بین یدی الله) وقوف کرده‌اند». (۳)

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶.
- ۲- امالی صدوق، ص ۱۷۱؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲.
- ۳- بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۲۰.

ص: ۹۸

عرفات، محل شناخت امام (ع) و دست‌یابی به اوست. امام صادق (ع) در روز عرفه و موقف عرفات، با صدای بلند بر اهمیت مسئله ولایت و امامت تأکید کرد. عمرو بن ابی‌مقدم در این باره چنین روایت می‌کند که در آن روز، امام صادق (ع) خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ الْإِمَامَ، ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهم السلام)، ثُمَّ هَهُ. (۱)

رسول خدا (ص) امام و ولی شما بود، پس از او، علی بن ابی‌طالب امام است. پس از وی حسن بن علی و پس از او، حسین بن علی و پس از وی علی بن الحسین و پس از او، محمد بن علی (پدرم) امام است. پس از من برسید [کنایه از اینکه اکنون من امام شما

هستم].

حضرت، این جملات را سه بار و به چهار سوی؛ از پیش رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید.

ج) عرفات، محل استجاب دعا

ابراهیم خلیل (ع) در عرفات به مناسک حج واقف و عارف میشود و دعایش به استجاب می‌رسد. خداوند به این روز و این سرزمین، شرف و عزت بخشید. طبق روایت‌هایی، همه حاضران در عرفات، دعای مستجاب دارند؛

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۶۶.

ص: ۹۹

چه نیکان و چه بدان؛ چنان که امام باقر (ع) فرمود:
 مَا يَقِفُ أَحَدٌ عَلَى تِلْكَ الْجِبَالِ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فَأَمَّا الْبَرُّ فَيُسْتَجَابُ لَهُ فِي
 آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ، وَ أَمَّا الْفَاجِرُ فَيُسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ. (۱)

احدی از نیکان و بدان نیست که بر این کوه‌ها وقوف کند، مگر اینکه خدا دعای او را به اجابت می‌رساند. دعای نیکان در مورد امور دنیا و آخرتشان مستجاب می‌شود، ولی دعای بدکاران، دربارهٔ دنیایشان مستجاب می‌شود.

به راستی، عرفه و عرفات بهترین موقعیت برای دعا، استغفار و طلب حاجات است. عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران، بلکه برای همه مومنان و روز آمرزش و اعتراف است. امام صادق (ع) در حدیث «مصباح الشریعه»، با اشاره به این مطلب می‌فرماید: اعتراف کن و به تجدید عهد خود با خدای یگانه پرداز. در این روز، دعای امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و سایر ادعیه و اذکار را بخوان و به هر زبان و بیان که میتوانی با

خداوند راز و نیاز نموده، در حق دیگران دعا کن تا فرشتگان در حق تو دعا کنند (۲).
 امام محمد باقر (ع) نیز فرمودند: «روز عرفه، هیچ سائلی دست خالی بر نمی‌گردد». (۳).

- ۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۲؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.
- ۲- مصباح الشریعه، و مفتاح الحقیقه، امام صادق ۷، ص ۴۷.
- ۳- وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۱.

ص: ۱۰۰

(د) عرفاتیان، مشمول مغفرت خاصه الهی اند

در برخی از روایت‌ها آمده که تنها وقوف در عرفه، می‌تواند بعضی از گناهان کبیره را بپوشاند. پیامبر اعظم، حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:
 مَا رَأَى الشَّيْطَانُ فِي يَوْمٍ هُوَ أَصْغَرُ وَلَا أَحْقَرُ وَلَا أَغْيَظُ مِنْهُ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ مَا ذَلِكَ إِلَّا لَمَّا يَرَى مِنْ نَزُولِ الرَّحْمَةِ وَ تَجَاوُزِ اللَّهِ عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِذْ يُقَالُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَا يُكْفَرُهَا إِلَّا الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ. (۱)

دیده نشده شیطان در روزی کوچک‌تر، فرومایه‌تر و خشمگین‌تر از روز عرفه [باشد] و این حقارت و زبونی و خشمگینی شیطان در روز عرفه نیست، مگر بدین جهت که می‌بیند نزول رحمت و گذشت و بخشایش خدای را از گناهان بزرگ زائران؛ زیرا برخی گناهان است که آنها را نمی‌پوشاند و مورد بخشایش قرار نمی‌دهد، مگر وقوف در عرفات. هنگام غروب روز عرفه، پیامبر اکرم (ص) به «بلال» فرمود مردم را ساکت کن تا مطلبی بگویم. وقتی همه ساکت شدند، فرمود:

إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَغَفَرَ لِمُحْسِنٍ -كُمْ وَ شَفَعَ مُحْسِنٍ -كُمْ فِي مُسِيئَتِكُمْ فَافِيضُوا مَغْفُوراً لَكُمْ، إِلَّا أَهْلَ التَّبَعَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي. (۲)

همانا خداوند بر شما منت گذاشت، نیکان شما را مشمول مغفرت کرد و به شفاعت نیکان، از تقصیر بدان گذشت. اینک حرکت کنید، در حالی که

- ۱- شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ۱، ص ۲۲۴.
 ۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۸؛ ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۵.

ص: ۱۰۱

همه مشمول عفو و رحمت حضرت حق شده‌اید، مگر اهل تبعات [مقصود متجاوزان به حقوق مردم است]؛ چه آنکه خدا عادل است و حق ضعیف را از قوی خواهد گرفت. امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «از پیامبر (ص) سؤال شد: مجرم‌ترین و گناه‌کارترین اهل عرفات کیست؟» پیامبر (ص) فرمود:

الَّذِي يَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ. . . (۱)

آن که از عرفات برگردد و گمان کند، مورد آمرزش خداوند متعال قرار نگرفته است.

امام صادق (ع) در توضیح این سخن می‌فرماید: «

يَعْنِي الَّذِي يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (۲)؛ «یعنی، کسی که از رحمت خداوند متعال

مأیوس و ناامید باشد» .

همچنین، پیامبر (ص) فرمود: «

مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ، لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ» (۳)؛ «بخشی از گناهان، گناهانی هستند، که جز

در عرفات بخشیده نمی‌شوند» .

و نیز فرمود:

فَإِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ... فَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ أَوْ بَعْدَدِ نَجُومِ السَّمَاءِ أَوْ

قَطْرِ الْمَطَرِ لَغَفَرَهَا اللَّهُ لَكَ... (۴)

- ۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷؛ الجعفریات، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، ص ۱۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.
- ۲- همان؛ الجعفریات، ص ۱۱۳.
- ۳- الجعفریات، ص ۱۱۳، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰؛ ر. ک: وافی، ج ۲، ص ۴۲؛ کافی، ج ۴، ص ۲۶۲.
- ۴- تهذیب، ابو جعفر محمد بن حسین طوسی، ج ۵، ص ۲۵.

ص: ۱۰۲

آن گاه که در عرفات وقوف کنی، چنانچه گناهانت به تعداد شن‌های شن‌زار یا ستارگان آسمان یا قطرات باران باشد، خداوند آنها را خواهد بخشید.

امام صادق (ع) فرمود:

هیچ مرد مؤمنی، از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند، جز آنکه خداوند، اهالی مؤمن آن محل را ببخشد و هیچ مرد مؤمنی از خانواده‌ای با ایمان، در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خداوند، مؤمنان از آن خاندان را بیامزد. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:

آمرزش بر اهل عرفات در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه نازل می‌شود. آن گاه شیطان بر سر خویش خاک ریخته، شیون و زاری می‌کند. پس دیگر شیاطین گرداگرد او جمع شده، می‌گویند: «تو را چه شده است؟!» می‌گوید: «مردمی که در مدت شصت، هفتاد سال نابودشان کردم، در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند».

(۲) مراد شیطان، حاجیانی هستند که در عرفات حاضر شده‌اند.

پیامبر (ص) فرمود: «کسی که گوش و چشم و زبانش را در روز عرفه نگه دارد، خداوند او را از عرفه تا عرفه دیگر حفظ می‌کند» (۳).

ابن عباس در مورد حدیث فوق آورده است:
 فضل بن عباس (در عرفات)، کنار رسول خدا (ص) ایستاده بود و به زنان نگاه

- ۱- وافی، ج ۲، ص ۴۲.
 ۲- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۱۵.
 ۳- همان، ص ۱۸.

ص: ۱۰۳

می کرد، پیامبر (ص) چشم او را برگردانید و فرمود: «امروز روزی است که اگر کسی گوش و چشم و زبانش را جز از حق، نگه دارد، گناهِش آمرزیده می شود». (۱)
 ابن عباس می گوید:
 پیامبر (ص) را در غروب روز عرفه در عرفات دیدم که دست هایش را تا سینه بالا آورده، دعا می کرد؛ همان گونه که مسکین از دیگران غذا طلب می کند. (۲)
 در روایتی آمده که بیشترین ذکر رسول خدا (ص) در روز عرفه، این عبارت بود: «
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۳)
 عبیدالله بن گریز نیز می گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «برترین دعا، دعای روز عرفه است». (۴)

ه) عرفات، در ورود به حرم

از امیرمؤمنان علی (ع) درباره راز وقوف در عرفات و عدم وجوب وقوف در حرم، سؤال شد،
 حضرت فرمود:

لَأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَالْحَرَمَ بَابُهُ فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَافِدِينَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ

- ۱- اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۱.
- ۲- همان، ص ۲۴.
- ۳- همان.
- ۴- همان، ص ۲۵.

ص: ۱۰۴

يَتَضَرَّعُونَ.

چون کعبه، خانه خداست و حرم، در آن خانه است. پس چون آهنگ آن را کنند خداوند آنها را کنار آن در ننگه دارد تا به درگاهش تضرع کنند. سؤال شد: چرا مشعرالحرام در حرم قرار داده شد؟ حضرت (ع) فرمود:

لَآئِنَّهُ لَمَّا أَذِنَ لَهُمْ بِالِدُّخُولِ وَقَفَّهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِي فَلَمَّا طَالَ تَضَرَّعُهُمْ بِهَا أَذِنَ لَهُمْ لِتَقْرِبِ قُرْبَانَهُمْ فَلَمَّا قَضَوْا تَفَثَهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي كَانَتْ حِجَابًا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أَذِنَ لَهُمْ بِالزِّيَارَةِ عَلَى الطَّهَّارَةِ (۱)

چون وقتی خداوند به زوار اذن دخول داد، آنها را در حجاب دوم نگاه داشت و هنگامی که تضرع آنها در آنجا به درازا انجامید، بدانها رخصت داد تا قربانی‌های خود را نزدیک کنند تا چون پلیدی و چرک خود را گذاردند و به قربانی‌ها از گناهی که میان آنها و خدا حجاب شده بود، پاک شدند، اجازه دهد با طهارت، بیت‌الله را زیارت کنند.

(و) مقام شفاعت

خداوند به حج‌گزار مقام شفاعت می‌دهد. اگر کسی توفیق زیارت خانه خدا را پیدا کرد، در آخرت از دیگران می‌تواند شفاعت کند. این مژده را امام جعفر صادق (ع) داد:

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۱۵۹ و ۱۶۰

ص: ۱۰۵

کسی که در عرفات وقوف کند، برای هر کس دعا کند، اجابت می‌شود. حاجی شفاعتش برای فرزندانش، اهل خانه‌اش و همسایگانش پذیرفته می‌شود. (۱) شفاعت فقط در اختیار خداست. افراد تنها با اذن خداوند می‌توانند به این مقام بزرگ دست یابند و تنها شفاعت این دسته از انسان‌هاست که پذیرفته می‌شود. **يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا (طه: ۱۰۹)** در آن روز، شفاعت هیچ [کس] سود نبخشد، جز آن کسی که خدای رحمان به او اذن داده و از گفتار او راضی است. خداوند مقام شفاعت را به بعضی از انسان‌ها داده است. انبیا و اولیا، صاحبان شفاعت الهی‌اند. شهدا هم اجازه شفاعت دارند.

۳. عرفات در آینه کلام بزرگان اهل سلوک

الف) توصیه‌های اخلاقی

عارف روشن ضمیر، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (رحمه‌الله) گوید: منتهای جدیت خود را به خرج بده که در عرفات، به کمال معرفت نائل شوی و بدان که اجتماع حاجیان برای دعا در یک میدان و صحنه واحد، به‌ویژه به لحاظ حضور صالحان و اهل باطن از ابدال و اوتاد یا غیر آنها از

ص: ۱۰۶

کاملان - که هیچ وقت حج از بعضی از آنان خالی نیست-، لامحاله با اجتماع دل‌ها و همت‌ها، برای طلب نزول رحمت و طلب باران، ابرهای جود و کرم که گردن‌ها کشیده و دیده‌ها خیره شده [برای آن] و تضرع و زاری و ابتهال خود، شاید علت تامه اجابت دعا باشد و برای اجتماع دل‌ها و همت‌ها، تأثیر خاصی است در انجام مقاصد و وصول به مطالب. از این رو، گفته‌اند: «از عظیم‌ترین گناهان آن است که کسی در عرفات حاضر شود و گمان کند که خدای تعالی او را نیامرزیده است» (۱).
 استاد عارفان، شیخ محمد بهاری همدانی نیز گوید:
 در عرفات، از این ازدحام خلق و بلند کردن صداهای خودشان به انواع تضرع و زاری و التماس به اختلاف زبان‌ها و افتادن هر گروهی پی‌ائمه خودشان و نظر به شفاعت او داشتن، حکایت محشر را یاد آورد. اینجا کمال تضرع و الحاح را بکند تا آنجا مبتلا نشود و بسیار ظن قوی داشته باشد بر حصول مراداش؛ زیرا که روز شریف و موقف عظیم و نفوس مجتمع و قلوب به سوی الهی منقطع و دست‌های اولیا و غیرهم به سوی او - جل‌شأنه - بلند شده و گردن‌ها به سوی او کشیده شده، چشم‌ها از خوف او گریان و بندها از ترس او لرزان و روز، روز احسان و ابدال و اوتاد در محضر حاضر. بنای سلطان بر بخشش و انعام و همچنین روز خلعت‌پوشی صدراعظم دولت عَلَيْهِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَسَهَّلَ مَخْرَجَهُ [است]. در چنین روزی، استبعاد ندارد، حصول فیض به اعلا مدارجه بالنسبه به کافه ناس و

۱- المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ج ۲، ص ۲۲۵.

ص: ۱۰۷

خلایق. آیا گمان به خالق خود داری که سعی تو ضایع گرداند، یا اینکه منقطع شده‌ای

از اهل و اولاد و وطن. آیا رحم نمی‌کند غربت تو را
 «ما هَكَذَا الظَّنُّ بِهِ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِهِ» [چنین گمانی به او نیست و آنچه از فضل او
 معروف است، این نیست] و از اینجاست که در حدیث وارد شده [است]:
 «مَنْ اعْظَمَ الذُّنُوبَ انْ يَحْضُرَ الْعَرَافَاتِ وَيُظَنَّ أَنَّهُ لَا يُغْفَرُ لَهُ» (۱).
 عارف ربانی ملا احمد نراقی نیز نویسد:
 [حج گزار] چون به عرفات حاضر شد، نظر به ازدحام خلاق کند و ببیند که مردمان به
 لغت‌های مختلف، صداها بلند کرده‌اند و هر یک به زبانی به تضرع و زاری مشغول‌اند و
 هر کدام به طریقه امام و پیشوای خود، آمد و شد می‌کنند [پس]، یاد آورد عرصه قیامت
 و احوال آن روز پر هول و وحشت را و پراکندگی مردمان را در آنجا، حیران و سرگردان
 و هر امتی به گرد پیغمبر و امام خود جمع شده و چشم شفاعت بر او انداخته. پس، چون
 به این فکر افتاد، دست تضرع بردارد و بانیت خالص به درگاه خدا بنالد که خدا حج او
 را قبول کند و او را در زمره رستگاران محشور سازد و چنان داند که نومید نخواهد شد؛
 چه آنکه روز، روز شریف و موقوف، موقف عظیمی است و بندگان خدا از اقطار زمین
 در آنجا جمع‌اند و دل‌های همه، به خدا منقطع است و همت‌های همه مصروف دعا و
 سؤال است و دست‌های همه به درگاه پادشاه بی‌نیاز بلند است و همگی چشم بر در فیض

۱- تذکره المتقین، شیخ محمدبهاری، صص ۹۱ و ۹۲.

ص: ۱۰۸

و رحمت او انداخته و گردن‌ها به لطف و کرم او کشیده و البته چنین موقفی از نیکان و
 اختیار خالی نیست، بلکه ظاهر آن است که ابدال و اوتاد ارض، در خدمت صاحب عصر
 در آنجا حاضرند. پس دور نیست که از حضرت ذوالجلال، به واسطه دل‌های پاک و
 نفوس مقدسه و رحمت برکافه مردمان، فائض شود و چنان گمان نکنی که همه این

خلایق، آنجا جمع‌اند و با هزار امیدواری، راه دور و درازی پیموده و اهل و وطن را دور افکنده و کربت و غربت بر خود قرار داده و رو به در خانه چنین کریمی آورده‌اند، خداوند کریم همه را ناامید کند و سعی‌شان را نابود سازد و بر غریبی ایشان ترحم نکند؟ زینهار! زینهار! دریای رحمت از آن وسیع‌تر است که در چنین حالی تنگی کند و از این جهت، رسیده است که بدترین گناهان آن است که آدمی به عرفات حاضر شود و چنان گمان کند که خدا او را نیامرزیده است. (۱)

آری! میهمان حق، در عرفه با خدایش صحبت و راز و نیاز می‌کند و در مناجات خود، شرح پریشان‌حالی و درماندگی خود را، یک به یک یادآور می‌شود. در این زمینه، صاحب کتاب «الحقایق» گوید:

در آنجا باید با کمال تضرع و زاری، به حضرت کردگار توجه پیدا کند تا وی را در جمله رستگاران و مرحومان قرار دهد و تیر آرزویش را به

۱- معراج السعاده، ملا احمد نراقی، صص ۷۰۰ و ۷۰۱؛ ر. ک: جامع السعادات، ملامهدی نراقی، ج ۳، ص ۳۹۴.

ص: ۱۰۹

هدف اجابت برسانند. موقف [عرفات]، مکان شریفی است و رحمت واسعه الهی، به برکت نفس گرم او... ریزش دارد و شکی نیست که در عرفات، گروهی از صالحان و پاکیزه‌دلان موجودند و چون همه به اجتماع، از در زاری و تضرع درآیند و دست‌ها به جانب آسمان بلند سازند و گردن‌ها کشیده، چشم انتظار بگشایند و از وی طلب آمرزش کنند، بلاشک، آرزوهایشان برآورده شده و سعی‌شان مشکور است. (۱)

(ب) داستان‌های عرفانی

اظهار پشیمانی از اعمال گذشته

روزبهران بقلی شیرازی، در عرفات ایستاده بود. وقت دعا، خلق دست برداشته بودند و دعا می کردند و حاجت می طلبیدند. جوانی را دید خاموش بود. شخصی بر او رفت و گفت: «ای جوان! زمان اجابت است. مکانی مکرم است و زمانی معظم. چرا دعایی نمی کنی و حاجتی نمی طلبی و دستی بر نمی داری؟»

گفت: «ای عزیز! چه کنم؟ اگر زبان است، آلوده است از غیبت و اگر دست است، در معصیت. دست و زبانی ندارم که شایسته آن باشد که حاجتی طلبم یا به دعایی بردارم. مرا روی خواستن و طلب کردن و گفتن نیست. اگر تو را هست، بگو و بخواه». (۲)

۱- الحقایق، ص ۵۳۶

۲- روز بهان نامه، ص ۱۱۶؛ داستان عارفان، محمدتقی فعالی، صص ۴۴ و ۴۵.

ص: ۱۱۰

پاداش عمل

هزار بار پیاده طواف کعبه کنی قبول حق نشود گر دلی بیازاری (۱)
شخصی به نام عبدالجبار مستوفی به حج می رفت. او هزار دینار زر همراه خود داشت. روزی از کوچه‌ای در کوفه رد می شد که اتفاقاً به خرابه‌ای رسید. زنی را دید که در آنجا جست و جو می کرد و دنبال چیزی بود. ناگاه در گوشه‌ای مرغ مرده‌ای را دید، آن را زیر چادر گرفت و از آن خرابه دور شد.
عبدالجبار با خود گفت: «همانا این زن احتیاج دارد، باید ببینم که وضع او چگونه است؟»

در عقب او رفت تا اینکه زن داخل خانه‌ای شد. کودکانش پیش او جمع شدند و گفتند: «ای مادر! برای ما چه آورده‌ای که از گرسنگی هلاک شدیم؟» زن گفت: «مرغی آورده‌ام تا برای شما بریان کنم». عبدالجبار چون این سخن را شنید، گریست و از همسایگان آن زن، احوالش را پرسید. گفتند: «زن عبدالله بن زید علوی است. شوهرش را حجاج کشته و کودکانش را یتیم کرده است. مروت خاندان رسالت وی را نمی‌گذارد که از کسی چیزی طلب کند». عبدالجبار با خود گفت: «اگر حج خواهی کرد، حج تو این است». آن هزار دینار زر از میان باز کرد و به آن خانه رفت و کیسه زر را به زن

۱- مولوی.

ص: ۱۱۱

داده، بازگشت و خودش در آن سال، در کوفه ماند و به سقایی مشغول شد. چون حاجیان مراجعه کردند و به کوفه نزدیک شدند، مردمان به استقبالشان رفتند. عبدالجبار نیز رفت. چون نزدیک قافله رسید، شترسواری جلو آمد و بروی سلام کرد و گفت: «ای خواجه عبدالجبار! از آن روز که در عرفات، هزار دینار به من سپرده‌ای، تو را می‌جویم. زر خود را بستان». آن فرد ده هزار دینار به وی داد و ناپدید شد. آوازی برآمد که ای عبدالجبار! هزار دینار در راه ما بذل کردی، ده هزار دینارست فرستادیم و فرشته‌ای را به صورت تو خلق کردیم تا از برایت هر ساله حج گزارد تا زنده باشی که برای بندگانم معلوم شود که رنج هیچ نیکوکاری به درگاه ما ضایع نیست. (۱)

غفار الذنوب

یکی از بزرگان پادشاه ستمگری را دید که در عرفات، پای برهنه روی سنگریزه‌های گرم ایستاده و دست به دعا برداشته بود و می‌گفت: «بار خدایا! تو تویی و من منم. کار من آن است که هر زمان سر تا پا غرق گناه شدم و کار تو آن است که غفّار الذنوب هستی. بر من رحمت کن». یکی از بزرگان گفت: «بنگرید که جبار زمین پیش جبار آسمان چه راز و نیاز می‌کند». (۲)

۱- مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ الرسالة العلیة، صص ۹۴ و ۹۵؛ ریاحین، ج ۲، ص ۱۴۹.
۲- کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، ص ۱۰۰.

ص: ۱۱۲

رحمت بی‌منت‌های الهی

نقل است که «فضیل عیاض» روزی به عرفات ایستاده بود و در خلق نظاره می‌کرد و تضرع و زاری خلایق می‌شنید. گفت: «سبحان الله! اگر چندین خلایق نزدیک شخصی روند و از وی مقداری زر خواهند، ایشان را ناامید نگرداند. بر تو که خداوند کریم غفاری، آمرزش ایشان آسان‌تر است از مقداری زر بر آن مردم و تو اکرم الاکرمینی. امید آن است که همه را بیامری». (۱)

امید به درگاه خداوند

(۲)

زیر شمشیر غمش، رقص کنان باید رفت کانکه شد کشته او، نیک سرانجام افتاد مالک بن دینار گوید که سفر حج کردم، جماعتی را در عرفات دیدم. به خود گفتم:

«کاش می دانستم حج کدام یک از اینها مقبول است، تا او را تهنیت بگویم و حج کدام یک مردود است، تا او را تعزیت بدهم». در خواب دیدم گوینده‌ای می گوید: «خداوند همه این جماعت را به نعمت

۱- تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری، ص ۷۵.
 ۲- آیه‌های بسیاری از قرآن کریم به امید بر رحمت خداوند اشاره دارند: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ زمر: ۵۳ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ اعراف: ۵۶ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ سجده: ۱۶ رَغْبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ نبياء: ۹۰

ص: ۱۱۳

مغفرت معزز فرموده، مگر محمد بن هارون بلخی را که حج او مردود است». زمانی که صبح شد، به نزد اهالی خراسان آمدم و از ایشان احوال محمد بن هارون بلخی را پرسیدم، گفتند: «آن مردی عابد و زاهد است. او را در خرابه‌های مکه باید پیدا کنی». بعد از گردش زیاد، او را در خرابه‌ای دیدم که دست او در گردنش بسته و زنجیر در پاهایش بود و او در حالت نماز است. همین که مرا دید، پرسید: «تو کیستی؟» گفتم: «مالک بن دینار». گفت: «خواب دیده‌ای؟» گفتم: «آری!» گفت: «هر سال مردی صالح مثل تو، در خصوص من خواب می‌بیند». گفتم: «سبب این امر چیست؟» گفت: من شراب می‌خوردم، مادرم هم مانع می‌شد. روزی من با حالت مستی او را اذیت فراوان کردم و... پس از آنی که از مستی به حال آمدم، زخم مرا خبردار کرد که به چنین کار بدی دست زده‌ام. آن دست خودم را بریدم و پایم را به زنجیر بستم و هر سال، حج می‌کنم و دعا و استغاثه می‌نمایم و می‌گویم: «ای کاشف هم و غم! شفا ببخش هم و غم»

مرا و راضی فرما مادر مرا تا از جرم و تقصیر من عفو کند». این قدر بدان که بعداً از عمل خود دست کشیدم و ۲۶ غلام و کنیز آزاد کردم و . . . مالک گوید: «گفتم ای مرد! نزدیک بود با این عملت، تمام روی زمین را بسوزانی». مالک گوید که همان شب، حضرت رسول (ص) را در خواب دیدم، فرمود: ای مالک! مردم را از رحمت خدای تعالی محروم نگردان. دانسته باش که خدای تعالی به حال محمد بن هارون توجه فرمود و دعای او را مستجاب

ص: ۱۱۴

کرد و گناهانش را عفو نمود. او را خبردار نما که سه روز از روزهای دنیا، در میان آتش می ماند، خداوند دل مادر او را به وی مایل می کند و به ترحم می آورد و تا مادرش او را حلال می کند، مادر و فرزند هر دو با هم، داخل بهشت می شوند. مالک گوید:

من آمدم و خواب خود را به او نقل کردم. همین که این مژده را شنید، روح او از بدنش مفارقت کرد. من او را غسل دادم و کفن کردم. سپس بر او نماز خواندم و دفنش نمودم. (۱)

عرفات، تجلی گاه لطف الهی

روزی جناب میرزا مهدی آشتیانی در منزل مرحوم آیت الله حجّت بودند. ایشان در آنجا چنین تعریف کردند که اینجانب دچار یک بیماری سختی شدم که برای معالجه آن، هم در کشور بسیار تلاش کردم و هم به خارج از کشور سفر کردم، اما معالجه نشد و از باز یافتن سلامتی خویش نومید شدم. در سال ۱۳۶۵ ه. ق که توده‌ای‌ها، تسلط شوم خود را بر شمال و آذربایجان استحکام بخشیدند، اینجانب با اتوبوس عازم مشهد بودم که در میان راه، حالم به هم خورد؛

به گونه‌ای که راننده و مسافران اتوبوس فکر کردند دچار سکت قلبی شده‌ام. به همین جهت، ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند تا برای نجات من کاری بکنند.

۱- رنگارنگ، علی اکبر عماد، ج ۲، ص ۶۳.

ص: ۱۱۵

اما من در همان حال، در عالم دیگری بودم. دیدم که در صحرای عرفات هستم و انوار بسیاری در آنجا به آسمان پرتوافکن است و انبوه مردم بدان سو چشم دوخته‌اند، پرسیدم: «چه خبر است؟» گفتند: «پیامبر گرامی (ص) حضور دارند». به سوی آن حضرت رفتم که دیدم چهارده خیمه در کنارهم به یکدیگر نصب شده که بزرگ‌ترین آنها از آن پیامبر (ص) است. وارد شدم و ضمن عرض سلام، خواستم بیماری خود را بازگویم که پیامبر با مهر و محبت بسیاری فرمودند: «از آنجایی که شما زائر پسرم رضا هستی، برو به خود او بگو». به خیمه حضرت رضا (ع) رفتم و پس از عرض سلام، سه حاجتی که داشتم باز گفتم. آن حضرت جواب مرا دادند. در این حال بود که به هوش آمدم، دیدم در میان بیابان و در حلقه مسافران اتوبوس هستم. در آن محفل، آیت الله حجت اظهار داشتند: من مدت‌ها در مورد این روایت که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِأَهْلِ عَرَفَاتٍ»؛ «خداوند تجلی می‌کند بر اهل عرفات»، می‌اندیشیدم و اکنون برای من روشن شد که تجلی خدا در عرفات، عبارت از تجلی پیام آور او بر مردم و تجلی خدا بر پیامبر گرامی (ص) و خاندان وحی و رسالت (علیهم‌السلام) است. (۱)

کی رف-تهای ز دل که تم-نا کنم تو را کی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکردهای که شوم طالب حضور پنهان نگشتهای که هویدا کنم تو را (۲)

- ۱- کرامات صالحین، محمدرازی شریف، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.
 ۲- فیض کاشانی.

ص: ۱۱۶

ص: ۱۱۷

گفتار سوم: صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی

اشاره

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز دست غیب آمد و بر سینهنامحرم زد^(۱)

۱. وقوف انبیای عظام (علیهم‌السلام) در صحرای عرفات

الف) حضرت آدم (ع) و صحرای عرفات

خداوند متعال می‌فرماید:
 فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۳۷)
 آدم (ع) از پروردگارش کلماتی دریافت داشت [و با آنها توبه کرد] و خداوند، توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است.

۱- حافظ.

ص: ۱۱۸

طبق روایت امام صادق (ع)، حضرت آدم (ع) پس از خروج از جوار خداوند و فرود به دنیا، چهل روز هر بامداد بر فراز کوه «صفا» با چشم‌گریان در حال سجود بود؛ تا اینکه

جبرئیل بر او فرود آمد و پرسید: «ای آدم! چرا گریه میکنی؟» حضرت آدم (ع) پاسخ داد: «چگونه میتوانم گریه نکنم، در حالی که خداوند مرا از جوارش بیرون رانده و در دنیا فرود آورده است». جبرئیل فرمود: «ای آدم! به درگاه خدا توبه کن و به سوی او باز گرد». حضرت آدم (ع) گفت: «چگونه توبه کنم؟» جبرئیل در روز هشتم ذی‌الحجه آدم را به منا برد. آدم (ع) شب را در آنجا ماند و صبح، با جبرئیل به صحرای عرفات رفت. جبرئیل به هنگام خروج از مکه، احرام بستن را به او یاد داد و به او لبیک گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسید، تلبیه را قطع و به دستور جبرئیل غسل کرد و پس از نماز عصر، آدم (ع) را به وقوف در عرفات واداشت و کلماتی که از پروردگار دریافت کرده بود را به وی تعلیم داد. این کلمات عبارت بودند از:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمَلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي
اغفر لي انك انت الغفور الرحيم.

خداوندا! با ستایشت، تو را تسبیح میگویم. جز تو خدایی نیست کار بد کردم و به خود ظلم نمودم. به گناه خود اعتراف میکنم؛ تو مرا ببخش که تو بخشنده مهربانی. حضرت آدم (ع) تا هنگام غروب آفتاب، همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک میریخت. هنگامی که آفتاب غروب کرد،

ص: ۱۱۹

همراه جبرئیل، روانه مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صبح گاهان، در مشعر به پاخواست و در آنجا نیز با کلماتی به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه کرد. (۱)

عرفات، جایگاه شناخت و معرفت خداوند متعال است. در عرفات، حجابها از جلوی چشمان حضرت آدم (ع) برداشته شد که در ساق عرش اسمای مقدس خمسه النجباء را دید و به تعلیم جبرئیل گفت: «

يا حميدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يا عاليُ بِحَقِّ عَلِيٍّ يا فاطرُ بِحَقِّ فاطمةَ يا مُحسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ .
وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ .

همین که اسم امام حسین (ع) را بر زبان جاری کرد، اشک از چشم‌هایش ریخته، قلبش پریشان شد. سببش را از جبرئیل پرسید و جبرئیل مصیبت آن حضرت را بیان فرمود. حضرت آدم (ع) و ملائکه گوش داده، گریه میکردند. (۲)

ب) حضرت ابراهیم (ع) و صحرای عرفات

جبرئیل در ظهر روز عرفه، به ابراهیم (ع) گفت: «ای ابراهیم! به گناهان خود اعتراف کن و مناسک را بشناس». از این جهت که جبرئیل به آن حضرت گفت: «اعترف»، آنجا را عرفات نامیدند. در جهت شمالی این دشت، کوهی است که «جبل الرحمه» نام دارد. در این وادی، ابراهیم (ع)

-
- ۱- تفسیر برهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۱، ص ۸۶
 ۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

ص: ۱۲۰

چگونگی عمل حج را از فرشته وحی جبرئیل آموخت و در برابر جبرئیل می‌فرمود: «عرفت، عرفت»؛ «شناختم، شناختم».

ج) حضرت خضر (ع) و صحرای عرفات

امام رضا (ع) فرموده‌اند:
 خضر (ع) از آب حیات نوشید. پس، زنده است و نمی‌میرد، تا در صور، دمیده شود. او نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدایش را می‌شنویم؛ ولی خودش را نمی‌بینیم. همانا او در آنجا حضور می‌یابد که یاد شود. پس هر یک از شما که او را یاد کرد، بر او سلام دهد. همانا او هر سال، در موسم حج، حضور می‌یابد و همه عبادات را انجام می‌دهد و

در عرفات، وقوف می کند و به دعای مؤمنان، «آمین» می گوید. به زودی، خداوند به واسطه او، وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می کند و تنهایی اش را به وسیله او، وصل می گرداند. (۱)

(د) پیامبر گرامی اسلام (ص) و صحرای عرفات

دامنه کوه عرفات در زمان صدر اسلام، کلاس صحرائی پیامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفته مفسران، آخرین سوره قرآن در صحرای عرفات بر پیامبر (ص) نازل شد (۲) و پیامبر (ص) این سوره را که از جامع ترین

۱- کمال الدین، ابن بابویه قمی صدوق، ص ۳۹۰؛ به نقل از: الخرائج و الجرائح، حسن بن علی بن فضال، ج ۳، ص ۱۱۷۴. به نقل از امام عسکری ۷. همچنین ر. ک: بحار الانوار، ج ۱۳ ص ۲۹۹.

۲- تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۳، ص ۱۵۰؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۳۰.

ص: ۱۲۱

سوره های قرآن و دارای پیمان های گوناگونی با ملل یهود، مسیحی و مسلمان و علمای آنهاست و قوانین و احکام کلی اسلام را در بردارد، به مردم و شاگردانش تعلیم فرمود. طبق نقل مشهور میان محدثان، در چنین روزی، پیامبر (ص) در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج فرمودند:

... ای مردم! سخنان مرا بشنوید؛ شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم... شما به زودی به سوی خدا باز میگردید. در آن جهان، به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود. من به شما توصیه میکنم هر کس امانتی نزد اوست، باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم! بدانید ربا در آیین اسلام، اکیداً حرام است. از پیروی شیطان پرهیزید. به شما

سفارش میکنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانتهای الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند... (۱).

۲. حضور امام عصر (عج) در عرفات

اشاره

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید
صبا بگو که چها بر سرم درین غم عشق ز آتش دل سوزان و دود آه رسید
ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید
مرو بخواب که حافظ به بارگاه قبول زورد نیم شب و درس صبح گاه رسید (۲)

۱- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۰.
۲- حافظ.

ص: ۱۲۲

امام سجاد (ع) در دعای روز عرفه خود، می‌فرماید:
اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ
أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَذَرْتَ
مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِأَمْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَّقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ
مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِنِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ.
خدایا! در هر زمان دین خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را برپای داشته‌ای تا علم
راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزان هدایت گردد و در رشته پیمان او، به
رشته پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او را فریضه

گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای به هرچه امر می‌کند، اطاعت کنند و از هرچه نهی می‌کند، باز ایستند و کسی بر او پیشی نگیرد و کسی از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جلوه جهانیان است. اگرچه حُسن فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز به یار یک جهت حق گزار ما نرسد هزار نقش برآید ز کلک صنع یکی به دل‌پذیری نقش نگار ما نرسد هزار نقد به بازار کائنات آرند یکی به سگّه صاحب عیار ما نرسد

ص: ۱۲۳

الف) مغنم شمردن فرصت حضور در سرزمین عشق

فرصت شمار صحبت کز این دو راه منزل چون بگذریم دیگر، نتوان به هم رسیدن زائر خانه خدا، باید از این فرصت به دست آمده و شرایط استجابت دعا استفاده کند و خودش را در میان صدها هزار دست و قلب و زبانی که به یاد خدا به حرکت و اهتزاز در آمده‌اند، بیندازد و از برکت این مکان شریف و زمان مقدّس و احترام زائران و مهمانان، به ویژه قافله سالار این کاروان، حضرت مهدی (عج) که همه ساله در موسم حج و موقف عرفات تشریف فرما هستند، بهره بگیرد و این بشارتی برای ما سیه‌رویان و گنه‌کاران است؛ زیرا در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

يَقْفِدُ النَّاسُ اِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ. (۱)

مردم امام خود را گم می‌کنند؛ او در موسم حج در بین مردم است و آنها را می‌بیند، ولی آنها را نمی‌بینند.

محمّد بن عثمان عمری از نوّاب خاصّ امام زمان (عج)، درباره حضور صاحب‌الامر (عج) در عرفات چنین می‌گوید:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. (۲)

سوگند به خدا که صاحب الامر هر سال در موسم حاضر است، مردم را می‌بیند و می‌شناسد. مردم نیز او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

۱- کمال الدین، ص ۳۴۶.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ص: ۱۲۴

ب) حکایت‌هایی در مورد وصال به حضرت ولی عصر (عج)

یاری حجاج به وسیله امام عصر (عج)

شخصی از اهل مدائن گوید: من با رفیقم به حج رفته بودیم. چون به موقف عرفات رسیدیم، جوانی را دیدیم نشسته و لنگ و روپوشی در بر کرده و نعلین زردی در پا دارد. لنگ و روپوش او به نظر من ۱۵۰ دینار ارزش داشت و علامت و اثر سفر در او نبود. گدایی نزد ما آمد، او را رد کردیم. سپس نزد آن جوان رفت و سؤال کرد، جوان چیزی از زمین برداشت و به او داد. گدا او را دعا کرد و زیاد و جدی هم دعا کرد. سپس جوان برخاست و از نظر ما پنهان شد. ما نزد آن سائل رفتیم و به او گفتیم: «عجبا! به تو چه عطا کرد؟» گفت: «او به ما ریگ طلای دندان‌داری نشان داد که قریب بیست مثقال بود». من به رفیقم گفتم: «مولای ما نزد ما بوده و ما ندانستیم و آن گاه به جست‌وجویش برخاستیم و تمام موقف را گردش کردیم و او را به دست نیاوردیم». سپس از جمعیتی که اطرافش بودند از اهل مکه و مدینه، راجع به او پرسیدیم، گفتند: «جوانی است علوی که هر سال

پیاده به حج می آید» (۱).
 بدین ترتیب، از ظهور معجزه به دست آن حضرت که سنگ را طلا کرد، دریافتند که او، امام عصر (عج) است. ولی پیداست که دلالت این روایت بر دیدن آن حضرت چندان روشن نیست.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

ص: ۱۲۵

ای دل! اگر عاشقی، در طلب یار باش

صاحب معالم، امام زمان (عج) را در عرفات زیارت کرد. صاحب درالمنثور آورده است که از بعضی از استادان خود و غیر ایشان شنیدم که هرگاه شیخ حسن (صاحب معالم الاصول) از برای حج می رفت، به اصحاب خود می گفت: «از خدای عزوجل امید دارم که به زیارت جمال بی کمال حضرت صاحب العصر و الزمان (عج) مشرف شوم؛ زیرا آن حضرت هر سال به حج تشریف می آورد». پس چون شیخ حسن در مناسک حج، وقوف عرفه را به جا آورد و خواست که در گوشه تنهایی، به فراغ خاطر، مشغول ادعیه عرفه شود، به اصحاب خود فرمود: «از خیمه بیرون روید و بر در خیمه نشسته، مشغول دعا باشید». در این اثنا، شخصی داخل خیمه شد که شیخ حسن او را نمی شناخت و سلام گفت و نشست. شیخ حسن گوید: «از آمدن او، هیبت بر من غالب شد و مبهوت شدم و قدرت بر سخن گفتن نداشتم. پس او با من سخن گفت به کلامی که یاد ندارم. سپس برخاست و چون از خیمه بیرون رفت، چیزی که امید آن را داشتم، به خاطر من رسید. با عجله تمام

برخاستم، پس او را ندیدم و از اصحاب خود پرسیدم. گفتند: ما کسی را ندیده‌ایم که داخل خیمه شما شده باشد». (۱)

۱- نجوم السماء، فی تراجم العلماء، محمد علی آزاد کشمیری، ص ۷.

ص: ۱۲۶

بدین ترتیب، سرزمین عرفات، همچون مغناطیس و آهن ربا که آهن را به خود جذب می‌کند، عارفان و عاشقان یگانه معشوق عالم هستی را به سوی خود می‌کشاند و از همین روست که این سرزمین مقدس را سرزمین عشق نام نهادیم؛ سرزمینی که عشق مخلوق به خالق و عبد به معبود به زیبایی متجلی می‌شود.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ لظُهُورِهِ وَاجْعَلْ خَاتِمَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ص: ۱۲۷

کتابنامه

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. احقاق الحق و ازهاق الباطل، القاضی السید نورالله الحسینی المرعشی التستری، تعلیقات: آیت‌الله العظمی السید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی، قم، منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، بی‌تا.
- ۲. احکام القرآن (آیات الاحکام)، محمد بن عبدالله اندلسی اشیلی (ابن عربی)، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت دارالفکر، بی‌تا.
- ۳. اخبار مکه، محمد بن احمد بن علی فاکهی مکی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.

۴. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی، مترجم: سید هدایت الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۸۰هـ. ق.
۵. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، بی جا، تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۳هـ. ق.
- ص: ۱۲۸
۶. التوحید، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، بی جا، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
۷. اسرار العبادات و حقیقه الصلاة، محمد سعید بن محمد مفید (قاضی سعید قمی)، بی جا، چاپ دانشگاه، بی تا.
۸. أشهر المساجد فی الإسلام، سید عبدالمجید بکر، بی جا، بی نا، بی تا.
۹. اصول کافی، ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی، بی جا، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
۱۰. اقبال الاعمال، سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، محقق: جواد القیومی الاصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲هـ. ش.
۱۱. امالی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۳هـ. ق.
۱۲. امالی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۹هـ. ش.
۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۰هـ. ق.
۱۴. اوصاف الاشراف، محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، بازنویسی: سید محمدرضا غیائی کرمانی، قم، مؤسسه انتشارات ظهور، ۱۳۸۵هـ. ش.
۱۵. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ. ق.
۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، بعثت، ۱۴۱۵هـ. ق.

ص: ۱۲۹

۱۷. البلد الامین، ابراهیم بن علی بن الحسن کفعمی عاملی، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۸هـ. ق.

۱۸. بهجۀ الآمال فی شرح زبدۀ المقال و منتهی الآمال، ملا علی علیاری تبریزی، بی‌جا، بی‌نا.

۱۹. تاج العروس، محب الدین ابوالفیض السید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۰. تاریخ مدینۀ دمشق، ابوالقاسم علی بن حسین بن هبه الله بن عبدالله بن الحسینی دمشقی شافعی (ابن عساکر)، تصنیف، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ. ق.

۲۱. تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸هـ. ش.

۲۲. تحف العقول عن اخبار آل الرسول، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی الحلبی، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴هـ. ق.

۲۳. تذکرۀ الاولیاء، عطار نیشابوری، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات بهزاد، ۱۳۷۳هـ. ش.

۲۴. تذکرۀ المتّقین، شیخ محمد بهاری، قم، انتشارات نهاوندی، بی‌تا.

۲۵. ترجمه دعای عرفه امام حسین (ع)، ابوالحسن شعرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۶. تفسیر البرهان القاطع، ابن فهد حلّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۷. تفسیر دعای سحر، روح الله موسوی خمینی، ترجمه: سید احمد فهری، قم، انتشارات دارالکتاب، بی‌تا.

ص: ۱۳۰

۲۸. تفسیر سورۀ مبارکۀ حمد، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، انتشارات وحدت، بی‌تا.

۲۹. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۳۰. تفسیر کبیر، فخر رازی، ترجمه: علی اصغر حلبی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات اساطیر،

۵۱۳۸۱. ش.
۳۱. تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۳۴. تنبیه الغافلین (آیات نازل در شأن ائمه الطاهرین)، مرتضی علم الهدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۵. تهذیب الاحکام، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن خراسانی، تصحیح: شیخ محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه. ش.
۳۶. توحید مفضل (یا شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع))، مفضل بن عمر، ترجمه و نگارش: نجفعلی میرزایی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۷. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ص: ۱۳۱
۳۸. جامع السعادات، مهدی بن ابی‌ذر نراقی، مترجم: سیدجلال الدین مجتوبی، بی‌جا، حکمت، ۱۳۸۶ ه. ش.
۳۹. الجعفریات (الاشعثیات)، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۰. حج در اندیشه اسلامی، سیدعلی قاضی عسکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۱. الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ه. ش.
۴۲. الحقائق، محمد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، ترجمه و شرح: محمدباقر ساعدی خراسانی، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
۴۳. الخرائج و الجرایح، قطب الدین راوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۴. الخصال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)،

- تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹ هـ. ق.
۴۵. خلاصه معراج السعاده یا مقامات العلیه، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، راه علم، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۴۶. دیوان اشعار حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۴۷. دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام، حسین بن محمدتقی نوری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۸. داستان عارفان، کاظم مقدم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۹. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ. ق. ص: ۱۳۲
۵۰. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد نعیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، بی‌تا.
۵۱. دعای عرفه ترجمه تصویری، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۲. دیوان اشعار، صائب تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۳. دیوان اشعار، فروغی بسطامی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۴. دیوان اشعار، مجذوب (مجدوب تبریزی)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۵. دیوان اشعار، محمد شمس‌الدین بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۶. دیوان اشعار، ناصر خسرو علوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۷. دیوان اشعار، نظامی گنجوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۸. دیوان اشعار، وحشی بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۹. ربیع الأبرار، محمود بن عمر زمخشری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۰. الرسالة العلیه فی احادیث النبویه، کمال‌الدین حسین کاشفی سبزواری، به کوشش: محدث ارموی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۶۱. رنگارنگ، علی اکبر عماد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۲. روزبهان نامه، محمدتقی دانش‌پژوه، بی‌جا، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ هـ. ش.

۶۳. ریاحین الشریعہ، ذبیح اللہ محلاتی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۴. سفینۃ البحار و مدینۃ الحکم و الآثار، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
ص: ۱۳۳
۶۵. السنن الکبری (سنن بیہقی)، احمد بن حسین بیہقی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۶۶. السنن الکبری، ابن شعیب النسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۶۷. السیرۃ النبویہ، ابو محمد عبدالملک بن ہشام، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۶۸. شرح حال شاعران ایران، سیداحمد حسینی کازرونی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۶۹. شرح نہج البلاغہ، ابن میثم بحرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۰. شرح نہج البلاغہ، ابوالقاسم خویی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۱. شرح نہج البلاغہ، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراہیم، چاپ اول، قاہرہ، داراحیاء الکتب العربیہ، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۷۲. شفاء الغرام، تقی الدین حسنی فاسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۳. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۴. صحیفۃ مبارکہ سجادیہ، ترجمہ: فیض الاسلام، تہران، ۱۳۷۵ هـ. ق.
۷۵. صہبای حج، عبداللہ جوادی آملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۶. طاقدیس، ملااحمد نراقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۷. طبیب دل‌ها، صادق حسن‌زادہ، بی‌جا، انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۷۸. العبقری الحسان، شیخ علی نہاوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷۹. علل الشرایع، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویہ (شیخ صدوق)، نجف اشرف، مکتبۃ حیدریہ، ۱۳۸۶ هـ. ق.

ص: ۱۳۴

۸۰. الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، شيخ عبدالحسين اميني، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۳۹۷هـ. ق.

۸۱. الغيبة، ابى عبدالله محمد بن ابراهيم النعماني، بى جا، بى نا، بى تا.
 ۸۲. الفتوحات المكيه، محيى الدين ابى عبدالله محمد بن على (ابن عربى) ، بيروت، دارصادر.

۸۳. فرهنگ عميد، حسن عميد، بى جا، سازمان انتشارات جاويدان، بى تا.
 ۸۴. فروع الكافى، ثقة الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى رازى، بى جا، بى نا، بى تا.

۸۵. فروغ خاور، بودا، بى جا، بى نا، بى تا.
 ۸۶. كتاب الصيام شهر رمضان المبارك، على كريمى جهرمى، بى جا، بى نا، بى تا.
 ۸۷. كرامات صالحين، محمد شريف رازى، بى جا، بى نا، بى تا.
 ۸۸. كشف الاسرار و عدة الابرار، رشيد الدين ميبدي، تهران، انتشارات امير كبير، ۱۳۶۱هـ. ش.

۸۹. كشكول ناصرى، ناصر كرباسيان، بى جا، برهان، ۱۳۸۹هـ. ش.
 ۹۰. كليات ديوان شمس تبريزى، محمد بن محمد بن الحسين البلخى (جلال الدين مولوى) ، مقدمه: بديع الزمان فروزان فر، تصحيح و حواشى: م درويش، تهران، سازمان انتشارات جاويدان علمى، ۱۳۴۶هـ. ش.

۹۱. كمال الدين، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه (شيخ صدوق) ، بى جا، بى نا، بى تا.

ص: ۱۳۵

۹۲. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدين على بن عبد الملك (متقى هندی) ، نزىل مكه المشرفه، چاپ اول، حيدرآباد، ۱۳۱۳هـ. ق.

۹۳. الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۹۴. گزیدهٔ برکات حضرت ولی عصر (عج)، سیدجواد معلم، چاپ دوم، بی‌جا، تک‌سوار حجاز، بی‌تا.
۹۵. گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۹۶. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظوم، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۹۷. لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۹۸. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.
۹۹. مثنوی گلشن راز، شیخ محمود شبستری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۰. مثنوی معنوی، محمد بن محمد بن الحسن البلخی (جلال‌الدین مولوی)، به سعی و اهتمام و تصحیح: رینولد آین نیگلسون از روی نسخه طبع ۱۹۲۵-۱۹۳۳ م.
۱۰۱. مجلهٔ میقات حج، جمعی از نویسندگان، شماره ۱۰.
۱۰۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، تحقیق: لُجْنَةُ من العلماء بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۰۳. المحاسن، شیخ ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص: ۱۳۶

۱۰۴. المَحَجَّةُ البَیضاء فی تهذیب الأحياء، محمد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، تحقیق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۰۵. مرآة الحرمین، ایوب صبری پاشا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۶. المراجعات، سید شرف‌الدین موسوی عاملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۰۷. المراقبات فی أعمال السنه، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۰۸. مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، زین الدین بن علی العاملی الجبعی (شهید ثانی) ، قم، مکتبه البصیرتی، بی تا.
۱۰۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، بیروت، تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۱۰. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی، بی تا.
۱۱۱. مسند، ابو یعلی الموصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، چاپ دوم، بیروت، دمشق، دارالمأمون للتراث، ۱۱۰۴ هـ. ق.
۱۱۲. مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، تصحیح: دکتر محمد سپهری، چاپ اول، بی جا، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۱۱۳. مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ، امام صادق (ع)، ترجمه و شرح: حسن مصطفوی، بی جا، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ هـ. ش.
۱۱۴. مصباح الهدایه إلى الخلافة و الولاية، روح الله موسوی خمینی، تهران، پیام آزادی، بی تا.
- ص: ۱۳۷
۱۱۵. معارف و معاریف، مصطفی حسینی دشتی، قم، دانش، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۱۱۶. معالم مکة التاریخیة و الأثریة، عاتق بن غیث بلادی، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱۷. معانی الاخبار، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱۸. معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱۹. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۲۰. معراج السّعادة، ملا احمد نراقی، بی جا، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
۱۲۱. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۱۲۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۳. مکارم الاخلاق، رضی الدین طبرسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲۴. ملاقات با امام زمان (عج)، ابوالفضل سبزی، بی‌جا، انتشارات عصر رهایی، بی‌تا.
۱۲۵. من لا یحضره الفقیه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، منشورات جامعه المدرّسین، بی‌تا.
۱۲۶. المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ریاض، چاپ حمد جاسر، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۱۲۷. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ سوم، طهران، بی‌جا، مکتبه الصدر، بی‌تا.
- ص: ۱۳۸
۱۲۸. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۱۲۹. المنجد فی اللغة و الاعلام، الاب لويس معلوف اليسوعی (قسمت لغات) و الاب فردینان توتل اليسوعی (قسمت اعلام)، چاپ بیست و سوم، بیروت، دارالمشرق، بی‌تا.
۱۳۰. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۳۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ هـ. ق.
۱۳۲. نجم الثاقب، حسین بن محمد تقی طبرسی نوری، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.
۱۳۳. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هـ. ق)، آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، مصحح: میرهاشم محدث، بی‌جا، امیرکبیر، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۱۳۴. نیایش امام حسین (ع) در عرفات، محمدتقی جعفری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۳۵. نیایش در عرفات، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، انتشارات حضرت معصومه ۳، بی تا.

۱۳۶. نیایش، الکسیس کارل، بی جا، بی نا، بی تا.

۱۳۷. الوافی، محمد بن مرتضی مولى محسن فیض کاشانی، تصحیح و تحقیق: ضیاء الدین علامه، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۲ ه. ق.

ص: ۱۳۹

۱۳۸. وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ه. ش.

۱۳۹. وصیت نامه الهی سیاسی، روح الله موسوی خمینی، بی جا، سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

۱۴۰. یوم الخلاص، کامل سلیمان کتان، بی جا، بی نا، بی تا.